



محرم الحرام ۱۴۴۱



۵۳/۶/۱

مدیریت شهری محله محور

۱. فلسفه مدیریت شهری از منظر اسلام چیست؟
۲. نهاد اصلی تربیت و تزکیه کدام است؟
۳. عوامل مؤثر بر نهاد خانواده چنددسته است؟
۴. کدام یک از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده در اختیار مدیریت شهری است؟
۵. ساختار مدیریت محله با تعریف مختار الگوی پیشرفت اسلامی از محله چیست؟
۶. با توجه به تعریف جدید از محله، کالبد محله باید چگونه باشد؟
۷. در نظام مقایسه میان مدیریت شهری محله محور و نظریات نوشهرگرایی چگونه عمل می‌کنیم؟

شوای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

۱۵ شهریور ۱۳۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَكَايِنُ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ.

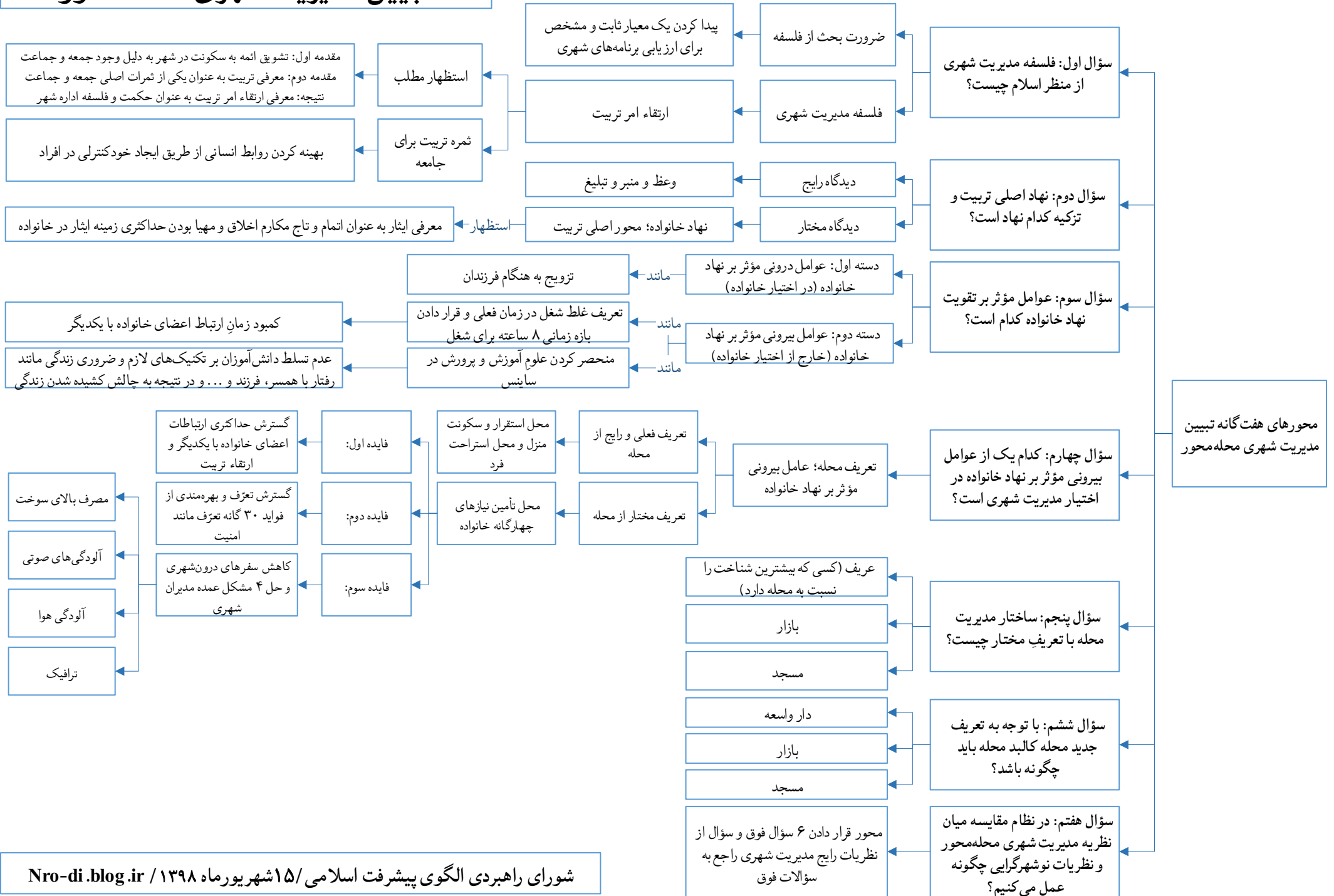
آیه ۱۴۶ سوره مبارکه آل عمران

چه بسا پیامبرانی که انبوهی دانشمندان الهی مسلک [و کاملان در دین] به همراه او با دشمنان جنگیدند، پس در برابر آسیب‌هایی که در راه خدا به آنان رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و [در برابر دشمن] سر تسلیم و فروتنی فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه:

جزوه پیش رو متن پیاده شده سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در نشست تخصصی تبیین مدیریت شهری محله محور است که در تاریخ ۴ محرم الحرام ۱۴۴۱ (۱۳ شهریورماه ۱۳۹۸) در محل نمایشگاه محصولات الگوی پیشرفت اسلامی در شهر مقدس قم برگزار شده است. پیشنهاد می شود جزوه و نمودار این جلسه به ترتیب در قطع A4 و A3 چاپ شود.

تبيين مدیریت شهری محله محور



فهرست مباحث

۱. فلسفه مدیریت شهری از منظر اسلام چیست؟ ۱
- ۱/۱. تبیین لزوم بحث از فلسفه مدیریت شهری ۱
- ۱/۲. معرفی تربیت به عنوان فلسفه مدیریت شهری مبتنی بر روایت تشویق ائمه به سکونت در شهر و منع از سکونت در روستا ۲
- ۱/۳. بهینه روابط انسانی؛ یکی از نتایج مهم پرداختن به مسئله تربیت و تزکیه ۳
۲. نهاد اصلی تربیت و تزکیه کدام است؟ ۵
- ۲/۱. معرفی خانواده به عنوان نهاد اصلی تربیت و تزکیه مبتنی بر روایت «الایثار اعلی المکارم» ۵
- ۲/۲. لزوم قرار دادن مسئله تقویت خانواده به عنوان محور برنامه‌ریزی‌های شهری ۶
۳. عوامل مؤثر بر نهاد خانواده چند دسته است؟ ۷
- ۳/۱. عوامل درونی (عوامل در اختیار خانواده)؛ دسته اول عوامل مؤثر بر نهاد خانواده ۷
- ۳/۲. عوامل بیرونی مؤثر بر خانواده (خارج از اختیار خانواده)؛ دسته دوم عوامل مؤثر بر نهاد خانواده ۱۰
- ۳/۲/۱. تعریف غلط شغل و ساعت شغلی؛ یکی از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده ۱۰
- ۳/۲/۲. محور قرار دادن آموزش‌های ساینس در نظام آموزشی؛ یکی دیگر از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده ۱۱
۴. کدام یک از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده در اختیار مدیریت شهری است؟ ۱۴
- ۴/۱. تعریف محله؛ عامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده و در اختیار مدیریت شهری ۱۴
- ۴/۱/۱. تعریف محله به «محل استقرار خانه و محل استراحت خانواده»؛ تعریف مشهور و رایج از محله ۱۴
- ۴/۱/۲. تعریف محله به «محل تأمین نیازهای خانواده»؛ تعریف مختار الگوی پیشرفت اسلامی از محله ۱۵
- ۴/۲. پیوسته شدن ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر و در نتیجه تقویت نهاد خانواده؛ نتیجه اول تعریف الگوی پیشرفت اسلامی از محله ۱۵
- ۴/۳. گسترش تعارف و ثمرات ۳۰ گانه آن در محله؛ نتیجه دوم تعریف مختار الگوی پیشرفت اسلامی از محله ۱۶
- ۴/۴. کاهش سفرهای درون‌شهری و فواید چهارگانه آن؛ نتیجه سوم تعریف مختار الگوی پیشرفت اسلامی از محله ۱۶
۵. ساختار مدیریت محله با تعریف مختار الگوی پیشرفت اسلامی از محله چیست؟ ۱۸
- ۵/۱. عریف؛ یکی از ساختارهای مدیریت محله ۱۸
- ۵/۲. مسجد؛ ساختار اصلی و یکی دیگر از ساختارهای مدیریت محله ۱۹
- ۵/۳. طراحی بازار؛ یکی دیگر از ساختارهای مدیریت محله ۱۹

۶. با توجه به تعریف جدید از محله، کالبد محله باید چگونه باشد؟ ۲۰
- ۶/۱. ایجاد دار و اسعه و تغییر فیزیک بازار و مسجد؛ کالبد سه‌گانه محله‌های جدید ۲۰
- ۶/۲. لزوم طراحی محله‌های جدید پیشرفته‌تر از معماری‌های صفویه و معماری‌های موجود ۲۲
۷. در نظام مقایسه میان مدیریت شهری محله‌محور و نظریات نوشهرگرایی چگونه عمل می‌کنیم؟ ۲۲
- ۷/۱. محور قرار دادن ۶ سؤال اول این جلسه و نقد و بررسی نظریات نوشهرگرایی مبتنی بر این سؤالات ۲۲

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم الحمد لله رب العالمین و الصلاة و السلام علی سیدنا و نبینا و شفیعنا فی یوم الجزاء ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و علی اهل بیته الطیبین و الطاهرین سیما بقیة الله فی الارضین ارواحنا لآماله الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف و اللعن الدائم علی اعدائه اعداء الله من الآن الی قیام یوم الدین.

۱. فلسفه مدیریت شهری از منظر اسلام چیست؟

۱/۱. تبیین لزوم بحث از فلسفه مدیریت شهری

به فضل الهی امشب یک بحث نسبتاً تفصیلی را راجع به مسئله مدیریت شهری از منظر فقه و روایات و آیات محضر دوستان تقدیم می‌کنم. پیشاپیش از حوصله‌ای که به خرج می‌دهید و این بحث نیمه تفصیلی را استماع می‌فرمایید از همه شما تشکر می‌کنم. قبل از اینکه در یک ساختار هفت بخشی دیدگاه نقشه‌الگوی پیشرفت اسلامی در حوزه مدیریت شهری را محضر دوستان تشریح کنم، نکته‌ای را به عنوان مقدمه بحث می‌کنم: آن نکته، اعلام نظر مبارکی بود که جناب حجت الاسلام و المسلمین قوامی امام جمعه محترم پردیسان راجع به این نشست داشتند. بنابر خبری که به ما رسید ایشان فرموده بودند مسئله مدیریت شهری محله محور بدون بحث از مسجد یک بحث ناقص بوده و دارای حجیت نیست.^۱ ضمن تاکید بر فرمایش

۱. حجت الاسلام و المسلمین سید صمصام الدین قوامی روز ۱۳ شهریور ۱۳۹۸ در کانال خودشان در پیام‌رسان ایتا با قرار دادن خبر نشست تخصصی مدیریت شهری محله محور (مورخ ۴ محرم الحرام ۱۴۴۱)، در پاسخ به این خبر اینطور نوشتند:

«محله مسجد محور» اگر نشود «پیشرفت اسلامی» هرگز تحقق نخواهد یافت

این یک هشدار است

محله محوری کافی نیست

محله مسجد محور چاره کار است

بیدار شویم.

گهربار ایشان و اعلام اینکه این دیدگاه توسط ایشان درست بوده که مطرح شده، این نکته را عرض می‌کنم که برگزارکنندگان محترم جلسه می‌بایست پیشخوان نشست را در اختیار نخبگان و علمای محترم قرار می‌دادند تا چنین شبهه‌ای اساساً زمینه بروز پیدا نمی‌کرد. به هر حال بنده از ایشان تشکر می‌کنم که به این مسئله مهم توجه دادند. البته قبل از این نیز ما متوجه این مسئله بودیم، ولی به هر حال بنده تذکر ایشان را یک تذکر مبارک می‌دانم و فرمایش ایشان خیلی مسئله به جایی بود.

اما در مورد مباحثات امشب همانطور که عرض کردم برای اینکه نظریه مدیریت شهری محله‌محور، یک تبیین ولو اجمالی پیدا کند ناچاریم که هفت مسئله مهم را بحث کنیم و بنده مجبورم همه این هفت مسئله را به اجمال مطرح کنم تا ان شاء الله یک فرصت تفصیلی پیدا شود تا راجع به اینها بیشتر گفتگو کنیم.

مسئله اول در نظریه مدیریت شهری محله‌محور، بحث از حکمت یا فلسفه مدیریت شهری است. همان طور که بنده قبلاً عرض کرده‌ام، لازم است فلسفه مدیریت شهری در گفتگوهای شهرداری‌ها و وزارتخانه و دانشگاه‌های مرتبط قدری برجسته‌تر شود؛ یعنی مثلاً وقتی ما دیدگاه‌های نوشهرگرایی^۲ را در دانشگاه مباحثه می‌کنیم، لازم است بیان شود که این دیدگاه‌ها چه حکمت و فلسفه نهایی را برای شهر و مدیریت آن تصویر می‌کنند. و مباحثات حوزه مدیریت شهری نباید از مباحثات برنامه‌ای و راه حلی محض تشکیل شود. علت این است که اگر ما حکمت و فلسفه مدیریت شهری را بحث نکنیم معیار قضاوت برنامه‌ها از بین می‌رود. همانطور که بنده در سال ۱۳۹۵ در حوزه مبارک مروی برای اولین بار نظریه مدیریت شهری محله‌محور را طرح کردم،^۳ در آنجا تاکید کردم که اگر شما حکمت و فلسفه مدیریت شهری را بحث نکنید، در واقع گز و سنجه ارزیابی همه برنامه‌های حوزه شهری را از دست داده‌اید. وقتی یک نظریه پرداز و یک متخصص حوزه شهری ورود پیدا نکرده و مسئله فلسفه مدیریت شهری را بحث نمی‌کند، در واقع سنجه‌ای برای ارزیابی برنامه‌های خودش به دیگران ارائه نمی‌دهد. لذا برای اینکه ما در نظریه مدیریت شهری محله‌محور از این بلیه عبور کنیم، در ابتدای مباحثات خودمان راجع به حکمت مدیریت شهری از منظر آیات و روایات بحث می‌کنیم.

۱/۲. معرفی تربیت به عنوان فلسفه مدیریت شهری مبتنی بر روایت تشویق ائمه به سکونت در شهر و منع از سکونت در روستا

یک شهر به چه غرض ساخته می‌شود؟ وقتی در روایات شهر با روستا مقایسه می‌شود، نقطه مزیت شهر چیست که اهل بیت علیهم‌السلام توصیه کرده‌اند که ما در روستاها ساکن نباشیم بلکه در شهرها ساکن باشیم؟ معیار این مسئله در روایات چیست؟ به اصطلاح امروزی حکمت سکونت در شهر چیست؟ این حکمت محوری‌ای که از آیات و روایات استظهار می‌کنیم را باید

2. MANAGING GROWTH, reducing traffic, creating sustainable development, and making smart transportation investments; these are all challenges we face today. New Urbanism is a development strategy that addresses these issues and more by creating communities that are livable, walkable, & sustainable, while raising the quality of life.

مدیریت رشد، کاهش ترافیک، ایجاد توسعه پایدار و سرمایه‌گذاری در حمل و نقل هوشمند، همه چالش‌هایی است که امروز با آنها روبرو هستیم. نوشهرگرایی (شهرسازی نوین) یک استراتژی توسعه است که با ایجاد جوامعی قابل سکونت، قابل پیمودن و پایدار، ضمن ایجاد کیفیت زندگی، به این موضوعات می‌پردازد.

آدرس مطلب در سایت «New Urbanism»: yon.ir/HVhxd

۳. مدیریت شهری از نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت عنوان پانزدهمین دوره از دانشنامه الگوی پیشرفت اسلامی است. این دوره در تاریخ ۶ الی ۱۶ تیرماه ۱۳۹۵ در مدرسه علمیه مروی در یازده جلسه برگزار گردیده است.

مبنای ارزیابی همه برنامه‌ها قرار دهیم. البته الآن بنده به نحو تفصیلی نمی‌خواهم ورود به بحث کنم و تمام آیات و روایات حکمت مدیریت شهری را بحث کنم؛ منتها یک اصلی را از آیات و روایات جمع‌بندی کرده‌ایم مبنی بر اینکه تفاوت روستا و شهر، تفاوت داشتن یا نداشتن جمعه و جماعات است؛ یعنی در روایت شریف می‌فرماید در شهرها ساکن شوید به دلیل اینکه در شهرها امکان برقراری جمعه و جماعت است، ولی در روستا این امکان نیست.^۴ خب از این تعریفی که امام علیه السلام در تفاوت شهر و روستا بیان کرده‌اند، پیداست تعریف امام علیه السلام از شهر و روستا، غیر از تعریف عرفی‌ای است که الآن ما انجام می‌دهیم. ممکن است جایی از نظر ما شهر باشد ولی به دلیل فقدان جمعه و جماعت روستا تلقی شود، و هکذا جایی را ما در تقسیمات شهری روستا تعریف کنیم ولی از آنجایی که در آنجا جمعه و جماعت وجود دارد آن منطقه از نظر امام علیه السلام شهر محسوب می‌شود.

دقت در مسئله جمعه و جماعت در روایات، ما را به اصل تزکیه می‌رساند؛ یعنی یکی از مسائلی که نتیجه توجه دادن به نماز جمعه و جماعت در روایات و آیات است، توسعه تزکیه است؛ تزکیه انسان‌ها بدون توجه به جمعه و جماعت به چالش کشیده می‌شود. لذا روی این اصل که من اختصاراً استظهارات آن را بحث کردم ما این نتیجه را گرفته‌ایم که حکمت مدیریت شهری، مسئله تزکیه و تربیت است. ما شهر را می‌سازیم تا در واقع زمینه تزکیه و تربیت مردم آماده‌تر شود. این همان اصلی است که بنده عرض کردم جمع‌بندی ما از مجموعه روایات مرتبط با تفاوت شهر و روستا است.

۱/۳. بهینه روابط انسانی؛ یکی از نتایج مهم پرداختن به مسئله تربیت و تزکیه

ممکن است کسی سؤال کند در این مسئله چه می‌شود؟ یعنی به چه دلیل مسئله تربیت و تزکیه - که نتیجه توجه به جمعه و جماعت است - به این میزان مهم است؟ ما در مباحثات خودمان این مطلب را مطرح کرده‌ایم که اگر تزکیه و تربیت نباشد، همه زیرساخت‌های روابط انسانی به چالش کشیده می‌شود؛ یعنی معتقد هستیم مسئله روابط انسانی تکامل یافته و مسئله تلاش برای بهینه روابط انسانی، به مسئله تزکیه وابستگی تام دارد؛ یعنی شما یا باید از مسئله بهبود روابط انسانی عبور کرده و آن را نادیده گرفته و کم‌اهمیت تلقی کنید که نتیجه آن واضح است؛ اصطکاک، نزاع و تجاوز در یک جامعه به عنوان پیش‌فرض محسوب می‌شود. یا اینکه شما قبول می‌کنید مسئله بهبود روابط انسانی یک اصل است و قابلیت تفاهم جهانی نیز دارد؛ انسان‌ها چون به نحو جمعی زندگی می‌کنند، باید روابط انسانی‌شان بهینه باشد و به نفع یکدیگر عمل کند، نه اینکه در تقابل و اصطکاک با یکدیگر تعریف شود.

۴. عن علي عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: الرستاق حظيرة من حظائر جهنم، ليس فيها حد ولا جمعة ولا جماعة، صبيهم عارم وشبانهم شياطين وشيوخهم جهال، المؤمن أتنن فيهم من الجيفة.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله وسلم: روستا، آغلی از آغل‌های جهنم است؛ نه حدی در آن اجرا می‌شود، نه نماز جمعه‌ای [برگزار می‌گردد] و نه نماز جماعتی. کودکان‌شان شرورند، و زنان‌شان شیطان‌صفت، و پیرانشان نادان. مؤمن در میان آنها، گندیده‌تر از لاشه مُردار است.

کنز العمال، جلد ۱۴، ص ۱۷۵، حدیث ۳۸۲۸۶

عنه صلى الله عليه وآله: من ترستق شَهراً، يُمحق دَهراً.

پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: هر کس يك ماه در روستا ساکن شود، يك عمر [زندگانی‌اش] تباه می‌گردد.

جامع الاخبار، ص ۳۹۲

عنه صلى الله عليه وآله وسلم لثوبان: لا تسكن الكفور؛ فإن ساكن الكفور كساكن القبور.

امام علی عليه السلام - به ثوبان - : در روستای دور دست، سکنای مگرین؛ زیرا ساکن در روستا، همانند ساکن در قبرستان است.

کنز العمال: ج ۱۵، ص ۴۰۷، ح ۴۱۵۸۹

اگر کسی این مسئله را فهمید سؤالی در او پیدا می‌شود که: «چگونه انسان‌ها را به سمت بهبود روابط انسانی ببریم؟ چگونه مسئله بهبود روابط انسانی را در جامعه‌ای تعریف کنیم؟» به صورت طبیعی کسی ممکن است بگوید ما این کار را از طریق قانون انجام می‌دهیم و در واقع مسئله بهبود روابط انسانی را به صورت جبری پیگیری می‌کنیم. خوب ما نیز همیشه در مباحثات عرض کرده‌ایم که نظم جبری به دلیل اصل نبودن درونی‌سازی در آن، پایا نیست و یک نظم شکننده است. بنابراین نیاز داریم به اینکه این نظم را از طریق دیگری به کار ببریم؛ یعنی انسان‌ها آن نظم را از درون بپذیرند. وقتی شما مسئله درونی‌سازی را مطرح می‌کنید آن وقت مسئله تزکیه و تربیت جایگاه خود را در ذهن شما پیدا می‌کند. مسئله تزکیه، تنها مکانیزیمی است که ما را به نظم اختیاری و بهبود روابط انسانی از طریق نظم اختیاری هدایت می‌کند. بنابراین ما حکمت مدیریت شهری را توسعه امر تربیت می‌دانیم و توسعه امر تربیت را یک زیرساخت مهم برای تنظیم صحیح روابط انسانی می‌دانیم. اگر جوامعی نخواهند به حرف‌های پیامبران عمل کنند و مسئله تزکیه را در نظر نگیرند، نتیجه این می‌شود که نمی‌توانند تنظیم روابط انسانی را به نحو تکامل یافته در اختیار داشته باشند؛ یک وابستگی تامی میان مسئله تزکیه و تنظیم روابط انسانی وجود دارد.

وقتی انسان‌ها از درون با خودشان جهاد می‌کنند و خواسته‌های نامربوط و غیر معتدل خودشان را از درون مدیریت می‌کنند، در برخورد با دیگران تکامل یافته‌تر و منضبط‌تر عمل می‌کنند. شما دو دسته انسان تصور کنید؛ یک دسته از انسان‌هایی که حرص، حسد و استکبار خودشان را از درون مهار نکرده‌اند. خوب طبیعتاً در همه رفتارهای بیرونی حرص، حسد و استکبار بروز خواهد کرد و بروز حرص، حسد و استکبار در رفتار بیرونی به معنای چالش برای انسان‌های دیگر است. اما انسان‌هایی را تصور کنید که به مدد استفاده از تکنیک‌های تزکیه [حرص، حسد و استکبار را کنترل کرده‌اند]. ده دسته تکنیک تزکیه در آیات و روایات بحث شده که مهم‌ترین آنها تدبیر در عاقبت عمل است؛ وقتی کسی تدبیر در عاقبت عمل می‌کند، به این نتیجه می‌رسد که خودش اعمالش را مدیریت کند. به تعبیر شریفی که از پیامبر ﷺ می‌فرماید: «(وَإِعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُلَاقِيهِ)»^۵. فرمودند: من پیامبر در اینکه شما چه عملی را انجام می‌دهید دخالت نمی‌کنم، فقط متذکر می‌شوم که شما آثار عمل خودتان را قطعاً ملاقات خواهید کرد. این مهم‌ترین تکنیکی است که انبیاء برای توسعه تزکیه در جوامع به کار می‌برند، به انسان‌ها متذکر می‌شوند که عمل شما انعکاس و اثری خواهد داشت که آن اثر برای شما وبال خواهد شد. وقتی انسان‌ها عمل خودشان را دارای اثر می‌بینند به خودکنترلی می‌رسند. از طریق انگیزه‌های درونی بعضی از رفتارهای بیرونی مدیریت شده و روابط انسانی بهینه می‌شود.

البته بحث تکنیک‌های ده‌گانه‌ای که ما به نحو فقهی و استظهاری از سیره و کلام معصومین علیهم‌السلام استظهار کرده‌ایم یک بحث مجزایی را می‌طلبد و من اینجا نمی‌خواهم آن را باز کنم، فقط می‌خواستم عرض کنم وقتی شما این تکنیک‌های تزکیه را به کارگیری می‌کنید در روابط انسانی تحول در جهت تکامل و بهینه شدن رخ می‌دهد. بنابراین اهمیت مسئله تزکیه در واقع

۵. «نَزَلَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لَهُ «يَا جِبْرِئِيلُ عِظْنِي» فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ عِشْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مِيَّتٌ وَ أَحِبِّ مَنْ شِئْتَ فَإِنَّكَ مُفَارِقُهُ وَ إِعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُلَاقِيهِ شَرَفَ الْمُؤْمِنِ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ وَ عِزَّهُ كَفُّ الْأَذَى عَنِ النَّاسِ».

جبرئیل علیه السلام بر پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل گردید، آن حضرت به او فرمود: ای جبرئیل مرا موعظه کن، جبرئیل گفت: ای محمد تو هرگونه که می‌خواهی زندگی کن (ولی بدان که ناگزیر) خواهی مرد، و هر کس را می‌خواهی دوست بداری و با او روزی از او جدا خواهی شد، و هر چه می‌خواهی انجام ده که بالاخره آن را ملاقات خواهی کرد، بدان که شرف و بزرگی مؤمن نماز شب او است، و عزت و سرافرازی مؤمن خودداری او از آزار رسانیدن بمردمان است.

اهمیت مسئله روابط انسانی است. اگر کسی پذیرفت، روابط انسانی بهینه و تکامل یافته برای یک جامعه لازم است، بعداً به دنبال راه و رسم بهبود روابط انسانی می‌گردد و اینجاست که ابر مسئله تزکیه و یا به ترجمه امروزی‌ها تربیت جایگاه خودش را نشان می‌دهد. تکنیک‌های ده‌گانه‌ای که انبیاء در مورد مسئله تزکیه بحث کرده‌اند، کمک می‌کند تا ما بتوانیم تنظیم روابط انسانی را بهبود ببخشیم.

بنابراین من عرایضم را در قسمت اول جمع کنم: آن مسئله‌ای که از نظر ما در مدیریت شهری خیلی مهم است این است که مدیریت شهری به دنبال تزکیه و تربیت مردم باشد. شهری که به تزکیه و تربیت مردم توجه نکند، روابط انسانی آن شهر گسسته می‌شود. شهری که تصمیمات مدیران شهری در آن، ضد تزکیه و تربیت باشد و تربیت را توسعه ندهد، در واقع به گسسته شدن روابط انسانی کمک کرده است و اگر روابط انسانی در جامعه‌ای گسسته شود به تعبیر آن به اصطلاح دانشمند غربی، انسان‌ها گرگ انسان خواهند شد^۶ و مسئله سکینه و آرامش از آن جامعه زدوده و حذف می‌شود. پس این یک مسئله است که ان‌شاء الله اگر مباحثات تفصیلی راجع به حکمت مدیریت شهری داشتیم بحث تفصیلی تری انجام می‌دهیم.

۲. نهاد اصلی تربیت و تزکیه کدام است؟

۲/۱. معرفی خانواده به عنوان نهاد اصلی تربیت و تزکیه مبتنی بر روایت «الایثار اعلی المکارم»

از اینجا سؤال دومی متولد می‌شود: به فرض که نخبگان و مدیرانی پذیرفتند شهر اسلامی، شهر تربیت است. سؤالی اینجا متولد می‌شود که چگونه می‌توان تربیت را در یک شهر گسترش داد؟ نهاد اصلی تربیت و تزکیه چیست؟ آیا نهاد اصلی تزکیه، منبر و وعظ و سخنرانی است؟ یعنی اگر شما در شهری جلسات سخنرانی را توسعه دادید و به مردم توصیه کردید که تزکیه شوند، تزکیه اتفاق می‌افتد؟ ممکن است بعضی اینگونه فکر کنند. باز این مسئله نیاز به یک جستجوی استظهاری دارد و باید ببینیم فقه ما، نهاد اصلی تزکیه را چه نهادی معرفی می‌کند.

جمع‌بندی ما در این بخش این است که نهاد اصلی تربیت، نهاد خانواده است؛ یعنی اگر مسئله خانواده جدی گرفته شود، وعظ‌ها و توصیه‌هایی که بزرگان یک جامعه به افراد آن جامعه می‌کنند به کمک می‌آید و تزکیه به سرانجام می‌رسد؛ اما اگر جامعه‌ای به سمت لیبرالیسم^۷ و فردگرایی رفت و خانواده در آن اصل نبود، چه اتفاقی می‌افتد؟ ریشه مسئله تزکیه از بین می‌رود. وقتی ریشه مسئله تزکیه از بین رفت، دیگر وعظ و نصیحت هم نمی‌تواند مسئله تزکیه و تربیت را مدیریت کند.

۶. «انسان گرگ انسان است.» جمله معروفی است که برای اولین بار در نمایش نامه آسیناریا نوشته پلوتس گفته شده و پس از آن توماس هابز در دو کتاب شهروند و لویتان (فصل ۱۵) از آن استفاده کرده است. زیگموند فروید در «تمدن و ملامت‌های آن» نیز این جمله را نقل و آن را تایید کرده است.

۷. واژه لیبرالیسم از ریشه لاتین liber به معنای آزادی گرفته شده است. لیبرالیسم یا آزادی‌خواهی، مجموعه روش‌ها و ایدئولوژی‌هایی است که هدفشان فراهم کردن آزادی هرچه بیشتر برای فرد می‌باشد. هواداران و پیروان چنین عقایدی را معمولاً آزادی‌خواه (لیبرال) می‌نامند. [۱] لیبرال‌ها بر این اعتقادند که انسان، آزاد به دنیا آمده و صاحب اختیار و اراده است و مجاز می‌باشد خود را به هر اندازه که ممکن است به نحو آزاد پرورش دهد. لذا می‌توان لیبرالیسم را مکتب یا فلسفه آزادی‌طلبی نامید. [۲]

اصطلاح لیبرالیسم نخستین بار در سال ۱۸۲۳ توسط کلود بواسست مورد استفاده قرار گرفت؛ اما جنبش فکری که به این نام خوانده می‌شود مقدم بر این تاریخ است و چه بسا بتوان گفت که لیبرالیسم با پیوند زوال‌ناپذیری که با آزادی دارد به قدمت نبرد انسان برای به رسمیت شناختن آزادی خویش است. [۳] اما لیبرالیسم به مفهوم امروزی، محصول انسان‌گرایی و فردگرایی عصر جدید است، و ریشه در رنسانس و جنبش اصلاح دینی دارد. [۴]

[۱]. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید، ۱۳۷۳، چاپ نهم، ص ۲۸۰.

[۲]. بازارگاد، بهاء‌الدین، مکتب‌های سیاسی، اقبال، ص ۱۷۲.

حالا اینکه چرا نهاد خانواده، نهاد اصلی تزکیه و تربیت است، دلایل مختلفی دارد. یک دلیل آن به این برمی گردد که وقتی افراد عضو خانواده ای می شوند به صورت طبیعی زمینه ایثار برای آنها آماده می شود. چراکه در خانواده مسئله محبت و رفق نیز وجود دارد. این محبت و رفقی که در بین اعضای خانواده وجود دارد باعث می شود ایثار - که به معنای از خودگذشتگی و گذشتن از منافع خود است - راحت تر اتفاق بیافتد. و در روایت داریم «الإیثارُ أعلیٰ المکارم» یا «الایثار تاج المکارم»^۸. اگر خواستید اوج تزکیه را نشان دهید یا خواستید بفهمید کسی در اوج تزکیه قرار دارد یا نه، ایثار را در رفتار او ارزیابی کنید. حالا ایثار که قطعاً در اوج تزکیه قرار دارد و نتیجه تزکیه محسوب می شود، در نهاد خانواده وجود دارد؛ یعنی در نهاد خانواده اعضا، دیگر نمی توانند به محوریت قانون با یکدیگر رفتار کنند، دیگر نمی توانند تنها به محوریت حقوق، زندگی همدیگر را مدیریت کنند. در نهاد خانواده زمینه مسئله ایثار به نحو تام وجود دارد؛ پس در واقع دعوت به نهاد خانواده، دعوت به ایثار است. پس به این معنایی که بحث کردیم، نهاد متکفل تربیت، نهاد خانواده است. در کدام نهاد می توان آدم ها را تمرین ایثار داد؟ تمرین از خودگذشتن داد؟ تمرین گذشتن از منافع را برای آنها مطرح کرد؟ در هیچ محیطی بهتر از نهاد خانواده این زمینه وجود ندارد. بنابراین اگر کسی میخواهد مسئله تربیت را در شهر گسترش دهد، باید مواظب نهاد خانواده باشد.

۲/۲. لزوم قرار دادن مسئله تقویت خانواده به عنوان محور برنامه ریزی های شهری

با این مقدمه ای که بنده مختصراً در قسمت دوم عرض کردم، یک نتیجه ای گرفته می شود: کسانی که به دنبال شهر مبتنی بر تربیت و تزکیه هستند، در گام دوم باید نهاد متکفل تربیت را به عنوان ارزیابی برنامه های شهری قرار دهند؛ یعنی اینکه آیا برنامه های شهری به نفع نهاد متکفل تربیت عمل می کند یا بر ضد آن؟ هر برنامه ای که در تضاد با نهاد خانواده قرار گیرد، در نهایت خود ضد تزکیه عمل می کند و تضاد با مسئله تزکیه منجر به گسستگی روابط انسانی شده و برای جامعه چالش ایجاد می کند.

پس شهر اسلامی، شهر خانواده است؛ یعنی ما در قسمت دوم ساختار اصلی شهر اسلامی را هم بحث کردیم. حتما دیده اید که بعضی می گویند شهر کودک، شهر سالمندان، شهر خلاق و غیره؛^۹ در مقابل این دیدگاه ها ما شهر خانواده را مطرح می کنیم؛

[۳]. ژرژ بوردو، لیبرالسم، عبدالوهاب احمدی، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۶.

[۴]. قنبری، آیت، نقدی بر اوامینسم و لیبرالسم، قم، فراز اندیشه، ۱۳۸۳، ص ۹۱.

۸. الإمام علیؑ: الإیثارُ أعلیٰ المکارم.

امام علیؑ: ایثار، عالی ترین خصلت اخلاقی است.

غیر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۵۴

9. Making both cities and rural communities age-friendly is an effective local policy approach for responding to population ageing. The physical and social environments are key determinants of whether people can remain healthy, independent and autonomous long into their old age.

The WHO age-friendly cities guide highlights domains that cities and communities can address to better adapt their structures and services to the needs of older people: the built environment, transport, housing, social participation, respect and social inclusion, civic participation and employment, communication, and community support and health services.

ایجاد شهر و جوامع روستایی دوستدار سالمند، یک رویکرد اجتماعی محلی برای پاسخ به پیر شدن جمعیت است. محیط های طبیعی و اجتماعی عوامل اصلی تعیین کننده این مسئله است که آیا افراد می توانند تا زمان پیری خود سالم، مستقل و خودمختار باقی بمانند.

یعنی شهری که خانواده در آن قدرت زیست بهینه دارد. دقت کنید که این خیلی تفاوت می‌کند با اینکه بگویید ما یک شهری را می‌سازیم که تنها کودکان یا معلولین در آن زیست بهینه دارند. اگر شما نهاد خانواده را بهینه کنید همه این موارد دیگر هم در آن وجود دارد؛ یعنی شهری که در آن خانواده حیات دارد، در آن شهر کودکان، سالمندان، معلولین و غیره هم حیات دارند. اگر خانواده احیا شود، همه این مزیت‌هایی که در تئوری‌های موجود برای شهر گفته می‌شود را خواهیم داشت.

پس در بخش دوم نظریه مدیریت شهری محله‌محور به این می‌رسیم که باید به نهاد اصلی متکفل تربیت توجه کنیم. از اینجا باز سؤالی زاییده می‌شود؛ آن سؤال این است که «اگر بخواهیم نهاد خانواده را تقویت کنیم، چه برنامه‌هایی را باید در دستور کار قرار دهیم؟» یعنی در واقع ما از بحث اول که حکمت مدیریت شهری بود، به بخش دوم رسیدیم، منتها این اتفاق به نحو زایش و استلزام بود. حالا [در ساختار سوم هم] به نحو استلزام به بحث بررسی عوامل مؤثر بر تقویت نهاد خانواده رسیدیم.

این یک بحث روشی است که البته نمی‌خواستم آن را مطرح کنم، یک لحظه برای من تردید پیدا شد اما به نظر آمد که خوب است این بحث مطرح شود که: ما در تمام نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی، تنها یک سؤال مادر و مهم بیشتر نداریم که از دل آن سؤال مهم، ده‌ها سؤال به استلزام زاییده می‌شود و این خیلی مسئله مهمی است که وقتی شما با یک مخاطب نخبه یا مخاطب عام بحث می‌کنید، نباید نقطه ثقل بحثتان، چند نقطه باشد؛ زیرا هم از حیث تفکر برای مخاطب بهتر است و هم از حیث هندسه و اتقان بحث، مسئله مهمی است و باید به آن توجه شود؛ فلذا همه این هفت ساختار بحثی که مطرح می‌کنیم به استلزام، زاییده همان بحث اول هستند و خود همین کمک می‌کند تا بحث در ذهن مخاطب توسعه پیدا کند.

۳. عوامل مؤثر بر نهاد خانواده چند دسته است؟

۳/۱. عوامل درونی (عوامل در اختیار خانواده)؛ دسته اول عوامل مؤثر بر نهاد خانواده

پس به استلزام محور دوم، محور سوم زاییده می‌شود. محور دوم این بود که می‌خواهیم نهاد متکفل تربیت را حفظ کنیم؛ خوب به صورت طبیعی با قاعده استلزام یک سؤال مطرح می‌شود که: «عوامل مؤثر بر تقویت نهاد خانواده چیست؟» تا به آن عوامل در مسئله مدیریت شهری توجه شود.

خوب مشهور این است که وقتی راجع به عوامل تقویت نهاد خانواده بحث می‌کنند، به سراغ عوامل درونی مؤثر بر تقویت خانواده می‌روند. ما عوامل درونی مؤثر بر تقویت نهاد خانواده را تعریف کرده‌ایم به: «عواملی که بر بهبود کارکرد نهاد خانواده

شهرستانهای دوستدار سالمندان متعلق به WHO، به موضوعات مهمی راهنمایی می‌کند که شهرها و جوامع می‌توانند برای انطباق بهتر ساختارها و خدمات خود با نیازهای سالمندان به: محیط ساخته شده، حمل و نقل، مسکن، مشارکت اجتماعی، احترام و شمول اجتماعی، مشارکت مدنی و اشتغال، ارتباطات و خدمات پشتیبانی و بهداشتی جامعه رسیدگی کنند.

آدرس مطلب در سایت سازمان بهداشت جهانی: yon.ir/TGA۳K

This document [Building Child Friendly Cities: A framework for action] provides a framework for defining and developing a Child Friendly City. It identifies the steps to build a local system of governance committed to fulfilling children's rights. The framework translates the process needed to implement the UN Convention on the Rights of the Child by national governments into a local government process.

این سند [ساخت شهر دوستدار کودک: دستور کار برای اقدام] چارچوبی برای تعریف و توسعه شهر دوستدار کودک فراهم می‌کند. این اقدامات مراحل ساختن یک سیستم محلی سیاسی متعهد به تحقق حقوق کودکان را مشخص می‌کند. این چارچوب فرایند مورد نیاز برای اجرای کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل توسط دولت‌های ملی را در قالب دولت محلی توضیح می‌دهد.

آدرس مطلب در سایت رسمی یونیسف: yon.ir/XAMvo

مؤثر هستند اما اختیار آنها به دست اعضای خانواده است؛ یعنی به دست پدر، مادر، فرزندان، دایی، عمو و غیره است. همواره اعضای خانواده می‌توانند تدابیری را به کار ببرند تا زندگی خانوادگی بهبود یابد. معمولاً وقتی حضرات آقایان علما وارد بحث می‌شوند - خصوصاً در بحث‌های مربوط به نهاد خانواده - سعی می‌کنند به این عوامل توجه دهند. مثلاً به پدرها توجه می‌دهند که «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى»^{۱۰} فرزندان خود را به ازدواج در آورید. خوب پدری که توجه به ازدواج به هنگام فرزند خود می‌کند، [عامل تقویت نهاد خانواده است]. باز در اینجا داخل پراتز عرض کنم که، شاخص به هنگام بودن ازدواج در روایات اسلامی، مسئله غریزه جنسی و نیاز عاطفی است؛ یعنی اگر فرزند شما نیاز عاطفی‌اش برافروخته و نیاز جنسی‌اش احیا شد، مسئله تمکن مالی نباید مانع شود تا مسئله ازدواج را به تأخیر بیندازید. ممکن است کسی در اینجا اشکال کند که: «مسئله مدیریت در خانه چه می‌شود؟» پاسخ این است که «همراه با اعطای غریزه جنسی، عقل هم اعطا می‌شود»؛^{۱۱} معمولاً در فرایند تقدیر اینگونه است که هسته اولیه عقل متناسب مدیریت به هنگام اعطای غریزه جنسی به فرد اعطا می‌شود. نشانه آن هم این است که فرد بعد از بلوغ خود ابراز استقلال می‌کند و این علامتی است برای اینکه می‌خواهد خودش تصمیم بگیرد. البته عقلی که در این مرحله اعطا می‌شود، عقل پخته‌ای نیست و اتفاقاً پذیرش امر ازدواج زیر نظر ولایت پدر و مادر کمک می‌کند تا آن عقل پختگی بیشتری به دست بیاورد و فرزند به سمت استقلال مالی هم حرکت کند. برخلاف بعضی که می‌خواهند بگویند ازدواج به هنگام کودک‌همسری و نا به هنگام است،^{۱۲} در روایات اینگونه نیست؛ اتفاقاً زمینه آماده کردن برای ازدواج را زمینه پخته

۱۰. وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَانِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ آیه ۳۲ سوره مبارکه نور [مردان و زنان] بی همسران و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید؛ اگر تهیدست اند، خدا آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند؛ و خدا بسیار عطاکننده و داناست.

۱۱. أَخْبَرَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنِي عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا مِنْهُمْ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ سَنَطَقَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ وَ لَا أَكْمَلْتُكَ إِلَّا فِيمَنْ أَحَبُّ أَمَا إِنِّي إِتَاكَ أَمْرٌ وَ إِتَاكَ أَنْهَى وَ إِتَاكَ أُعَاقِبُ وَ إِتَاكَ أُثِيبُ.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: چون خدا عقل را آفرید از او بازپرسی کرده به او گفت پیش آی! پیش آمد، گفت بازگرد! بازگشت، فرمود به عزت و جلالم سوگند مخلوقی که از تو به پیشم محبوب تر باشد نیافریدم و تو را تنها به کسانی که دوستشان دارم به طور کامل دادم. همانا امر و نهی کیفر و پاداشم متوجه تو است.

الکافی، ج ۱، ص ۱۰

عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ السَّاباطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الْغُلَامِ مَتَى تَجِبُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ قَالَ إِذَا أَتَى عَلَيْهِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً فَإِنْ احْتَلَمَ قَبْلَ ذَلِكَ فَقَدْ وَجِبَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ جَرَى عَلَيْهِ الْقَلَمُ وَ الْجَارِيَةُ مِثْلَ ذَلِكَ إِنْ أَتَى لَهَا ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً أَوْ حَاضَتْ قَبْلَ ذَلِكَ فَقَدْ وَجِبَتْ عَلَيْهَا الصَّلَاةُ وَ جَرَى عَلَيْهَا الْقَلَمُ.

عمار ساباطی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند: از او از پسر پرسیدم که چه زمانی بر او نماز واجب می‌شود فرمود: زمانی که بر او سیزده سال بگذرد. پس اگر قبل از این زمان محتمل شود بر او نماز واجب است و بر او قلم جاری می‌گردد. و دختر هم همینطور است؛ اگر بر او سیزده سال بگذرد یا حائض شود قبل از این زمان بر او نماز واجب است و بر او قلم جاری می‌شود.

تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۳۸۱

باتوجه به حدیث اول، معلوم می‌شود که تکلیف بر عقل واقع می‌گردد و تا وقتی عقل به انسان اعطا نشده باشد تکلیفی متوجه انسان نیست. از طرف دیگر در حدیث دوم شرط تکلیف، رسیدن به بلوغ جنسی (در پسران احتلام و در دختران حائض شدن) است؛ در نتیجه با جمع این دو حدیث معلوم می‌شود که: هنگام بلوغ جنسی، عقل نیز به انسان اعطا می‌شود؛ زیرا فرد مکلف می‌شود و انسان وقتی مکلف می‌گردد که عقل به او اعطا گردیده باشد.

۱۲. عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، نگاه افراطی و تفریطی به زنان را یکی از مشکلات موجود در جامعه دانست و افزود: طرح ممنوعیت ازدواج دختران زیر ۱۳ سال در مجلس تدوین شده و امیدوارم تصویب شود، چرا که آمار آذربایجان شرقی در این حوزه بالاست.

شدن عقل تعریف کرده‌اند؛ لذا به استظهار آن روایاتی که می‌گویند پدر هفت سال سوم را ملازم فرزند باشد و فرزند را به مشورت وا دارد،^{۱۳} بنده عرض می‌کنم در روایات ما گفته شده است که ازدواج به هنگام باشد. از یک طرف گفته‌اند فرزند را هنگام بلوغ جنسی و عاطفی به ازدواج درآورد و از یک طرف دیگر گفته‌اند هفت سال سوم را در مقام مشورت با فرزندتان رفتار کنید؛ جمع این دو تکنیک این می‌شود که هفت سال پدر و مادر همراه با ازدواج فرزندشان باید مسئله پخته شدن عقل و استقلال مالی را کمک کنند تا رخ دهد.

این‌ها روایات دیگری هم دارد ولی مهم‌ترین آن تلاقی زمانی این دو دسته روایت است: ظهور روایات از یک طرف می‌گویند پدر باید در ۷ سال سوم، مسئله مشورت را جدی قرار دهد و از طرف دیگر می‌گویند ازدواج باید در بلوغ جنسی و عاطفی اتفاق بیافتد.^{۱۴} زمان این دو روایات یکی است و هر دو تقریباً در ۷ سال سوم هستند؛ درباره پسرها که این‌طور است و درباره دخترها هم حتی بخشی از ۷ سال دوم را شامل می‌شود؛ بنابراین پدر و مادر باید فرزندانشان را تا موقع پختگی عقول مدیریت کنند و از طرفی پختگی عقول با ابزار ازدواج است! خود آن مسئله‌ای که بعضی به دنبال آن می‌گردند و می‌گویند فرزند باید پخته شود تا ازدواج کند، اتفاقاً ما می‌گوییم: طریق پخته شدن و توسعه عقل از راه ازدواج رخ می‌دهد. این یک مثال برای عوامل درونی

خبرگزاری خانه ملت؛ icana.ir/Fa/News/424206

۱۳. قال الصادق عليه السلام: «دَع ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَيُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَأَلِزِمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ، فَإِنْ أفلَحَ، وَإِلَّا فَإِنَّهُ مَمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ.»
امام صادق عليه السلام: فرزندت را رها کن تا هفت سال بازی کند و در هفت سال [دوم]، او را تربیت کن و هفت سال [سوم]، او را با خودت همراه کن. اگر رستگار شد، چه خوب؛ در غیر این صورت، از کسانی است که هیچ خیری در آنها نیست.

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۹۲

عنه عليه السلام: الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ، وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ، وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ، فَإِنْ رَضِيَتْ أَخْلَاقُهُ لِأَحَدِي وَ عَشْرِينَ، وَإِلَّا فَاضْرِبْ عَلَيَّ جَنْبِهِ، فَقَدْ أُعْذِرْتُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: فرزند، هفت سال آقااست، هفت سال بنده و هفت سال وزیر؛ اگر تا ۲۱ سالگی اخلاق و رفتارش را پسندیدی [که خوب] و گرنه به حال خود رهاش کن که تو در پیشگاه خداوند متعال معذوری.

مکارم الاخلاق، ص ۴۷۸

۱۴. ازدواج در سن بلوغ:

وَ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: مِنْ حَقِّ الْوَلَدِ عَلَيَّ وَالِدِهِ ثَلَاثَةٌ يُحَسِّنُ اسْمَهُ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَةَ وَيُزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ.

پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله فرمودند: «فرزند سه حق بر پدر دارد: اول انتخاب نام نیکو، دوم کتابت و سوم ازدواج زمانی که فرزند بالغ شد.»

روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۳۶۹

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ الْبَاءَ فَلْيَتَزَوَّجْ وَ لَمْ يَسْتَطِعْهَا فَلْيُتِّدْ مِنَ الصَّوْمِ فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ.

رسول خدا صلى الله عليه وآله می‌فرماید: «ای جمعیت جوانان، هر يك از شما اگر توان انجام جماع را دارد، پس ازدواج کند و کسی که توان آن را ندارد، پس به انجام روزه روی بیاورد که نیروی غریزه جنسی او فروکش خواهد کرد.»

بحار الانوار، جلد ۱۰۳، صفحه ۲۲۰

أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ شَابٍّ تَزَوَّجَ فِي حَدَائِثِ سِنِّهِ إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ يَا وَيْلَةَ يَا وَيْلَةَ عَصَمَ مِنِّي ثَلَاثِي دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ فِي الثَّلَاثِ الْآخِرِ.

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمودند: «هر جوانی در آغاز جوانی زن بگیرد، شیطان وی بانگ برآورد، وای بر او، دو سوم دین خود را از دستبرد من محفوظ داشت. پس باید در یک سوم دیگر تقوای الهی را رعایت کند.»

الجعفریات (الأشعبيات)، ص ۸۹

مؤثر بر نهاد خانواده است. یک پدری تصمیم می‌گیرد «ازدواج به موقع» را از روی فهم و درایه و با فهم مزایای آن، مدیریت کند. این موضوع به بهبود خانواده و تقویت خانواده کمک کرده است.

۳/۲. عوامل بیرونی مؤثر بر خانواده (خارج از اختیار خانواده)؛ دسته دوم عوامل مؤثر بر نهاد خانواده

حال سؤال بنده این است که آیا همه عوامل مؤثر بر نهاد خانواده از این جنس هستند؟ یعنی آیا اختیار همه عوامل مؤثر بر بهبود خانواده، در دست اعضای خانواده است یا عواملی مؤثر بر نهاد خانواده وجود دارند که در اختیار اعضای خانواده نیستند؟ آیا این چنین فرضی وجود دارد؟ من مثال بزمن تا بحث واضح شود.

۳/۲/۱. تعریف غلط شغل و ساعت شغلی؛ یکی از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده

اگر متغیر اصلی در تعریف شغل در جامعه‌ای، تناسب شغل با مسئولیت‌های خانوادگی نباشد چه می‌شود؟ این مسئله تقریباً سنجۀ سوم مکاسب ماست که اگر انشاء الله خداوند عمری داد، در این دوره اجمالی «فقه‌المکاسب»^{۱۵} سنجه‌های فقهی ارزیابی شغل را بحث می‌کنیم. ما سنجۀ سوم را تناسب زمان شغلی با مسئولیت‌های خانوادگی تعریف کرده‌ایم؛ به استظهار آن روایاتی که وقت مفید انسان را به چهار بخش تعریف می‌کنند و می‌گویند یک چهارم آن مربوط به شغل است،^{۱۶} یعنی حدود ۶ ساعت و بقیه باید در اختیار خانواده و عبادت و بقیۀ تکالیف حوزه روابط انسانی باشد.

اگر کسی زمان شغل را جابجا کرد، [چه اتفاق می‌افتد؟] مانند کشور ما که الآن زمان شغل ۸ ساعت است؛^{۱۷} البته با احتساب زمان رفت و آمد، به ۱۲ ساعت می‌رسد. چه کسی این کار را کرد؟ نظام حاکم بر جامعه و سیستم برنامه‌ریزی اقتصادی جامعه؛ یا شغل را به شخص نمی‌دهد یا شغلی را می‌دهد که ۱۲ ساعت از وقتش را می‌گیرد. حال اگر کسی در یک سیستم اقتصادی این کار را کرد و البته بهانه خود را هم این قرار داد که این قضیه ارزش افزوده ایجاد می‌کند؛ در واقع از طریق نظام‌سازی و از طریق طراحی بخش اقتصاد، یک ضربه‌ای را به نهاد خانواده زده است که مهار این ضربه در اختیار خانواده و اعضای خانواده نیست؛ مثلاً اگر پدر خانواده تصمیم بگیرد که ۶ ساعت مشغول کار شود، تقریباً همه کسانی که کارمند هستند، شغلشان را از دست می‌دهند؛ چون به لحاظ قانونی باید ۸ ساعت در محیط کار حاضر شوند؛ یعنی نمی‌توانند از این نظم ضد خانواده عبور

۱۵. اشاره به دوره مقدماتی فقه‌المکاسب که از دهه دوم محرم از ساعت هفت شروع می‌شود.

آدرس مطلب در کانال الگوی پیشرفت اسلامی: eitaa.com/olgou4/1797

۱۶. الإمام کاظم علیه السلام: اجتهدوا فی أن یكون زمانکم أربع ساعات: ساعة لمناجاة الله، وساعة لأمر المعاش، وساعة لمعاشرة الإخوان والثقات الذين يعرفونكم وعبوبكم ويخلصون لكم في الباطن، وساعة تخلون فيها لذاتكم فيغير محرم.

امام کاظم علیه السلام: در آن بکشید که اوقاتتان، چهار بخش باشد: بخشی برای راز و نیاز با خداوند؛ بخشی برای کار معاش؛ بخشی برای معاشرت با برادران و دوستان مورد اعتماد، آنان که عیب‌هایتان را به شما گوشزد می‌کنند و با شما خالص و یکرنگ‌اند؛ و بخشی برای بهره‌برداری از لذت‌های حلالتان.

بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۴

۱۷. ساعت کار قانونی روزانه ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه است.

سایت وزارت کار رفاه و تعاون اجتماعی، بخش سوالات متداول، بخش دوازدهم (تعطیلات و مرخصی‌ها) براساس استانداردهای بین‌المللی، مطلوبیت میزان انجام کار، حدود ۴۰ ساعت در هفته است؛ اگرچه این میزان برای انواع فعالیت‌ها نمی‌تواند مطلوبیت داشته باشد و کارفرمایان باید مدت زمان کار کارکنان را تنظیم کند که در این خصوص باید سلامت، ایمنی و مسئولیت خانوادگی شاغلان مد نظر قرار گیرد؛ به طوری که بعضی از کشورها ۳۰ تا ۴۴ ساعت کار در هفته را اشتغال کامل می‌دانند. (میانگین ساعات کاری افراد در ایران طی ۱۰ سال اخیر بنابر آمار منتشر شده در این سایت، ۶/۸ ساعت محاسبه شده است.)

سایت باشگاه خبرنگاران جوان، گروه وبگردی، ۵ دی ۱۳۹۶

کنند؛ اصلاً در اختیار آنها نیست! من خواستم یک مثال بزنم تا واضح شود وقتی می‌گوییم عواملی بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده وجود دارد، یک مثالی در ذهن شما به نحو اولیه ایجاد شود.

۳/۲/۲. محور قرار دادن آموزش‌های ساینس در نظام آموزشی؛ یکی دیگر از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده

یک مثال دیگر: وقتی نظام آموزشی یک کشور، «آموزش‌های ساینس»^{۱۸} را آموزش‌های اصلی قرار می‌دهد؛ یعنی علوم پایه، علوم زیستی و تجربی و علوم انسانی به معنای موجود را آموزش‌های اصلی قرار می‌دهد و اساساً به آموزش‌های مرتبط با روابط انسانی و نهاد خانواده در فرآیند آموزش توجه نکرده و تعریفشان نمی‌کند؛ خوب چه اتفاقی می‌افتد؟ باعث می‌شود انسان‌هایی که فارغ‌التحصیل می‌شوند، مهارت‌ها و علوم مربوط به مدیریت نهاد خانواده در آنها تضعیف شود. آن‌ها به سن ازدواج می‌رسند و ازدواج هم می‌کنند، ولی تکنیک‌های برخورد با همسر را بلد نیستند و مردها متوجه نیستند که «زن ریحانه است»^{۱۹} و خانم‌ها متوجه نیستند که «تحت هیچ شرایطی نباید شخصیت و غرور مرد به چالش کشیده شود». اصلاً مرد را از پایگاه شکستن غرور نباید کنترل کرد؛ هر زنی این کار را بکند، نتیجه برعکس می‌بیند. این ویژگی‌های فطری زن و مرد را باید آموزش دهیم، ضمناً تکنیک‌های تربیت فرزند و تکنیک‌هایی که باعث می‌شود خانواده در اختیار امام قرار گیرد، [باید آموزش داده شود]. روایات صله رحم را ببینید؛ امام علیه السلام می‌فرماید: رحم، ما هستیم!^{۲۰} وقتی روایات این باب را می‌خوانیم که مثلاً در

Science. ۱۸

۱۹. قال علی علیه السلام: فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: همانا زن ریحانه و مانند گل است، و قهرمان و قدرتمند نیست.

نهج البلاغه، نامه ۳۱

۲۰. فُرَاتٌ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْحَسَنِ التَّمِيمِيُّ رضي الله عنه [التَّمِيمِيُّ] الْبَرَاءُ مُعْنَعًا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عليه السلام قَالَ : خَطَبَ [أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ] عَلِيٌّ عليه السلام [بُنَ أَبِي طَالِبٍ] عليه السلام عَلَى مَنَبَرِ الْكُوفَةِ وَ كَانَ فِيهَا قَالَ: وَ اللَّهُ إِنِّي لَدَيَّانُ النَّاسِ يَوْمَ الدِّينِ وَ قَسِيمٌ [بَيْنَ] الْجَنَّةِ وَ النَّارِ لَا يَدْخُلُهَا الدَّاخِلُ إِلَّا عَلَى أَحَدٍ [أَحَدِهِ] قِسْمِي، وَ إِنِّي الْفَارُوقُ الْأَكْبَرُ وَ إِنَّ [و ابني و] جَمِيعَ الرُّسُلِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْأَرْوَاحِ خُلِقُوا [يَخْلُقُنَا] لَقَدْ أُعْطِيتُ النَّسَمَ الَّتِي لَمْ يَسْبِقْنِي إِلَيْهَا أَحَدٌ [عَلِمْتُ] فَضْلَ الْخُطَابِ وَ بَصُرْتُ سَبِيلَ الْكِتَابِ وَ أُزْجَلُ [أَدْخُلُ] إِلَى السُّبْحَاتِ [السُّبْحَاتِ السَّبْحَانَ] وَ عَلِمْتُ عِلْمَ الْمَنَائَا وَ الْبَلَايَا وَ الْفَضَايَا وَ بِي كَمَالِ الدِّينِ وَ أَنَا التَّعَمُّةُ الَّتِي أُنْعَمَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ كُلِّ ذَلِكَ مَنْ مَنَّ اللَّهُ بِهِ عَلَيَّ وَ مَنَّا التَّرْقِيبُ عَلَى خَلْقِ اللَّهِ [الْخَلْقِ] وَ نَحْنُ قَسِمٌ [قَسِيمٌ] اللَّهُ وَ حُجَّتُهُ بَيْنَ الْعِبَادِ إِذْ يَقُولُ اللَّهُ «إِنَّمَا اللَّهُ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» فَتَحْنُ أَهْلَ بَيْتِ عَصْمَةَ اللَّهُ مِنْ أَنْ تَكُونَ فَنَائِينَ أَوْ كَذَائِينَ أَوْ سَاحِرِينَ أَوْ زَيَّافِينَ فَمَنْ كَانَ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ هَذِهِ الْخِصَالِ فَلَيْسَ مِنَّا وَ لَا نَحْنُ مِنْهُ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ طَهْرَتَا اللَّهُ مِنْ كُلِّ نَجَسٍ نَحْنُ الصَّادِقُونَ إِذَا تَطَلَّفْنَا وَ الْعَالِمُونَ إِذَا سُئِلْنَا أَعْطَانَا اللَّهُ عَشْرَ خِصَالٍ لَمْ تَكُنْ لِأَحَدٍ قَبْلَنَا وَ لَا تَكُونُ لِأَحَدٍ بَعْدَنَا الْجَلْمَ وَ الْعِلْمَ وَ اللَّبَّ وَ النَّبُوَّةَ [الْفُشُوَّةَ] وَ الشَّجَاعَةَ وَ السَّخَاوَةَ [وَ الصَّبْرَ] وَ الصَّدْقَ [وَ الْعِفَافَ] وَ الطَّهَارَةَ فَتَحْنُ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَ سَبِيلَ الْهُدَى وَ الْمَثَلَ الْأَعْلَى وَ الْحُجَّةَ الْعُظْمَى وَ الْعُرْوَةَ الْوُثْقَى وَ الْحَقُّ الَّذِي أَقَرَّ اللَّهُ بِهِ «فَمَا ذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنْتَ تُضْرَفُونَ».

امام علی علیه السلام بر منبر کوفه خطبه خواند: ... خداوند می‌گوید (و از خدایی که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید پروا کنید و از [قطع رابطه با] خویشاوندان پرهیزید یقیناً خدا همواره بر شما حافظ و نگهبان است) پس ما اهل بیت آنها هستیم که خدا ما را دور کرده است از اینکه فتنه‌گر یا دروغگو یا ساحر یا زیاف باشیم ...

تفسیر فرات الکوفی، جلد ۱، صفحه ۱۷۸

فُرَاتٌ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَكَمِ [الْجَبَرِيُّ] قَالَ حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ حُسَيْنٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَبَّانٌ عَنِ الْكَلْبِيِّ عَنِ أَبِي صَالِحٍ [عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ] رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى [«وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»] نَزَلَتْ فِي رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله [وَ أَهْلِ بَيْتِهِ] وَ ذَوِي أَرْحَامِهِ وَ ذَلِكَ أَنَّ كُلَّ سَبَبٍ وَ نَسَبٍ يَنْقَطِعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ [مَا] كَانَ مِنْ سَبَبِهِ وَ نَسَبِهِ [إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا] يَعْنِي حَفِيفًا.

ابن عباس در مورد آیه [«وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامُ»] گفت: «در باره پیامبر و خویشاوندانش نازل شده به علت آنکه هر خویشاوندی و ارتباط در روز قیامت قطع شده است مگر خویشاوندی و ارتباط با محمد صلی الله علیه و آله [إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا] یعنی خدا متوجه شماست.»

تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۰۱

روایات ثبتي آن می‌فرماید: «صله رحم عمر را افزایش می‌دهد»^{۲۱} معنای غایی این روایات این می‌شود که خانواده خود را به امام علیه السلام وصل کنید؛ یعنی طوری تنظیم روابط انسانی کنید که شما به اهل فامیل مرتبط باشید و فامیل از طریق شما به امام علیه السلام وصل شود! این‌ها را ببینید، این‌ها همه بحث‌های فنی است که در روایات بحث شده است؛ ما این‌ها را آموزش نمی‌دهیم و این‌ها را بحث نمی‌کنیم. یعنی یک پدری متوجه نیست که باید مجرای جریان امامت امام در خانواده بشود! بله، پدر ولی خانواده است ولی باید از تصمیمات و نظام تدابیرش استفاده کند که ولایت امام علیه السلام را در میان اعضای خانواده جریان دهد. مادر هم همین‌طور است! اگر کسی ولایت امام علیه السلام را پذیرفته، حتماً این ولایت را از مجرای نطفه پاک و غذای حلال پذیرفته است.^{۲۲} نطفه پاک، فعل پدر و مادر است. روایات را ببینید: غذای حرام منجر به فسق می‌شود^{۲۳} و تداوم فسق منجر به خروج

۲۱. أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ مُوسَى الْهَاشِمِيِّ بِسَمْعٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَبْدُ الصَّمَدِ بْنِ مُوسَى، قَالَ: حَدَّثَنِي عَمِّي عَبْدُ الْوَهَّابِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ: بَعَثَ أَبُو جَعْفَرٍ الْمَنْصُورُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) وَ أَمَرَ بِفُرْشٍ فُطِرَتْ إِلَى جَانِبِهِ فَأَجْلَسَهُ عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَلِيٌّ بِالْمَهْدِيِّ، يَشُوقُ ذَلِكَ مَرَاراً، فَقِيلَ لَهُ: السَّاعَةَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مَا يَخْبِسُهُ إِلَّا أَنَّهُ يَنْبَغُزُ. فَمَا لَبِثَ أَنْ وَافَى وَ قَدْ سَبَقَتْهُ زَائِحَتُهُ، فَأَقْبَلَ الْمَنْصُورُ عَلَى جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، حَدِيثٌ حَدَّثْتَنِي فِي صَلَةِ الرَّحِمِ أَذْكَرُهُ بِسَمْعِهِ الْمَهْدِيِّ، قَالَ: نَعَمْ، حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ): إِنَّ الرَّجُلَ لَيَصِلُ رَحِمَهُ وَ قَدْ بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ ثَلَاثَ سِنِينَ، فَيَصِيرُهَا اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ) ثَلَاثِينَ سَنَةً، وَ يَقْطَعُهَا وَ قَدْ بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ ثَلَاثُونَ سَنَةً فَيَصِيرُهَا ثَلَاثَ سِنِينَ، ثُمَّ تَلَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «يُمُحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» الْآيَةَ. قَالَ: هَذَا حَسَنٌ - يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ - وَ لَيْسَ إِثَاءً أَرَدْتُ. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: نَعَمْ، حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ): صَلَةُ الرَّحِمِ تَعْمُرُ الدِّيَارَ، وَ تَرِيدُ فِي الْأَعْمَارِ، وَ إِنْ كَانَ أَهْلُهَا غَيْرَ أَجْبَارٍ. قَالَ: هَذَا حَسَنٌ - يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ - وَ لَيْسَ هَذَا أَرَدْتُ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): نَعَمْ، حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ): صَلَةُ الرَّحِمِ تَهْوُنُ الْحَسَابَ، وَ تَقِي مِيتَةَ السَّوْءِ. قَالَ الْمَنْصُورُ: نَعَمْ، إِثَاءً أَرَدْتُ.

محمد بن ابراهیم گفته است: منصور عباسی به دنبال حضرت صادق علیه السلام فرستاد و فرمان داد تا برای ایشان در کنار خودش فرش بیندازد و آن‌گاه که حضرت آمد، ایشان را بر آن نشانند و گفت: محمد را به نزد بیاورید، مهدی را به نزد بیاورید و پیوسته چنین می‌گفت. به او گفتند: هم اکنون می‌آید ای امیر المؤمنین. او دارد بخور می‌دهد. چیزی نگذشت که رسید و رانحه‌اش پیش از خودش آمد. منصور به حضرت صادق علیه السلام رو کرد و گفت: ای ابا عبد الله حدیثی درباره پیوند با خویشان بفرمایید تا مهدی آن را بشنود. حضرت فرمودند: بله، پدرم از پدرش به نقل از جدش از علی علیه السلام روایت کرد که رسول خدا فرمودند: همانا شخصی با خویشان خود دیدار می‌کند و با این که از عمرش سه سال مانده است، خداوند عزتمند عمرش را سی سال می‌افزاید و گاهی شخصی از خویشانش می‌برد و با این که از عمرش سی سال مانده است، خداوند آن را به سه سال می‌کاهد، سپس این آیه را خواندند: «خداوند آن چه را بخواهد محو یا پدیدار می‌کند و ام الكتاب در نزد او است» [رعد: آیه ۳۹] منصور گفت: این خوب است ای ابا عبد الله ولی این را نمی‌خواستیم. حضرت صادق علیه السلام فرمودند: بله، پدرم از پدرش به نقل از جدشان از علی علیه السلام روایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند: پیوند با خویشان سرزمین‌ها را آباد می‌کند و بر عمرها می‌افزاید اگرچه اهلش از بدان باشند. منصور گفت: این خوب است ولی من این را نمی‌خواستیم. حضرت صادق علیه السلام فرمودند: بله، پدرم از پدرش از جدش از علی علیه السلام روایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند: پیوند با خویشان حساب را آسان کرده و از مرگ بد باز می‌دارد. منصور گفت: آری این را می‌خواستیم. [ترجمه حسن زاده]

امالی طوسی، ج ۱، ص ۴۸۰

۲۲. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْقُرَشِيِّ قَالَ كُنَّا عِنْدَ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا فَقَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يُبَغِّضُكُمْ إِلَّا ثَلَاثَةٌ وَ لَدَّ زَنَا وَ مُنَافِقٌ وَ مَنْ حَمَلَتْ بِهِ أُمُّهُ وَ هِيَ حَائِضٌ.

محمد بن الحسن رحمة الله عليه می‌گوید: محمد بن حسن صقار از احمد بن حسین بن سعید، از علی بن حکم، از مفصل بن صالح، از جابر جعفی، از ابراهیم قرشی، وی می‌گوید: نزد ام سلمه رضی الله عنه بودیم، وی گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و اله شنیدم که به علی علیه السلام

از ولایت امام علیه السلام می‌شود.^{۲۴} این‌ها را در کجا باید بحث کرد؟ باید در نظام آموزشی بحث کرد؛ نظام آموزشی که این مفاهیم عالیه در حوزه خانواده را بحث نمی‌کند، در نتیجه باعث می‌شود نهاد خانواده تضعیف شود! حال پدر و مادر در فقدان آموزش‌ها خیلی نمی‌توانند مسئله نهاد خانواده را تقویت کرده و بهبود ببخشند! پس مسئله متناسب کردن آموزش‌های نظام آموزشی با نهاد خانواده، یکی از مصادیق بیرونی مؤثر بر تقویت نهاد خانواده است.

پس این هم محور سوم عرایض بنده بود؛ عوامل مؤثر بر تقویت نهاد خانواده به دو دسته تقسیم می‌شوند: عوامل درونی و عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده. عوامل درونی مؤثر بر نهاد خانواده را تعریف کردیم: «عواملی هستند که اختیار اعمال آنها به دست اعضای خانواده نیست». عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده را هم تعریف کردیم به اینکه: «عواملی هستند که بر نهاد خانواده تأثیر دارند، ولی اختیار تغییر آنها به دست اعضای خانواده نیست، بلکه به دست نظم اجتماع و حاکمیت است»؛ بنابراین وقتی می‌گوییم مدیریت شهری باید در مسئله تقویت نهاد خانواده دخالت کند؛ یعنی مدیریت شهری باید مواظب باشد به نحو عوامل بیرونی بر ضد نهاد خانواده عمل نکند. دقت بفرمایید اگر در اینجا دقت نشود نقطه تطبیق بحث است و اگر دقت شود نقطه اوج بحث است. کسانی که تأثیر عوامل بیرونی بر نهاد خانواده را نمی‌توانند تصور کنند، بعداً هم نمی‌توانند بپذیرند که حکمت مدیریت شهری باید تربیت و تقویت نهاد خانواده باشد؛ اما اگر شما در ذهن آن مخاطب نخبه، عوامل مؤثر بر نهاد

می‌فرمود: تنها سه گروه تو را دشمن دارند: الف: ولد زنا ب: منافق ج: کسی که مادرش در حال حیض به او حامله شده باشد. [ترجمه ذهنی تهرانی]

علل الشرایع، جلد ۱، صفحه ۱۴۲

۲۳. به عنوان مثال می‌توان به این روایت مشهور اشاره کرد:

و في المناقب روى ياسناده عن عبد الله بن محمد بن سليمان بن عبد الله بن الحسن بن أبيه عن جده عن عبد الله قال: لما عَبَّأَ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ أَصْحَابَهُ لِمَحَارَبَةِ عليه السلام وَأَحْاطُوا بِهِ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ حَتَّى جَعَلُوهُ فِي مِثْلِ الْحَلَقَةِ فَنَجَّحَ حَتَّى أَتَى النَّاسَ فَاسْتَنْصَتَهُمْ فَأَبَوْا أَنْ يُنصِتُوا حَتَّى قَالَ لَهُمْ: وَيَلَكُمْ! مَا عَلَيْكُمْ أَنْ تُنصِتُوا إِلَيَّ فَتَسْمَعُوا قَوْلِي؟! وَإِنَّمَا أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ... وَكُلُّكُمْ عَاصٍ لِأَمْرِي غَيْرُ مُسْتَمِعٍ قَوْلِي فَقَدْ مُلِمْتُ بِطُونِكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَطَبِعَ عَلَيَّ قُلُوبِكُمْ.

امام حسین علیه السلام هنگامی که عمر بن سعد سپاهیان خود را برای جنگ با ایشان آماده کرد و از هر سو آن حضرت را در محاصره گرفتند و امام به سوی دشمن بیرون آمد و آنها را به سکوت دعوت کرد، اما خاموش نشدند خطاب به آنها فرمود: ای بر شما! شما را چه زیان که به من گوش دهید و گفتار مرا، که به راه راستان فرا می‌خوانم بشنوید... همه شما از من نافرمانی می‌کنید و به سخنان من گوش نمی‌دهید؛ زیرا شکمهایتان از حرام پر شده و بر دلهایتان مهر [غفلت] خورده است.

بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱

۴۲. رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ: ... [جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عليه السلام] وَ أَنْبَأَكَ يَا مُفَضَّلُ عَلَى الرَّيْحِ وَ مَا فِيهَا أَلَسْتَ تَرَى زُكُودَهَا إِذَا رَكَدَتْ كَيْفَ يُحَدِّثُ الْكَرْبُ الَّذِي يَكَادُ أَنْ يَأْتِيَ عَلَى النَّفُوسِ وَ يُحْرِضُ الْأَصْحَاءَ وَ يَنْهَكَ الْمَرَضَى وَ يُفْسِدُ النَّمَارَ وَ يُعَقِّنُ الْبُقُولَ وَ يُعَقِّبُ الْوَبَاءَ فِي الْأَجْدَانِ وَ الْآهَةِ فِي الْغَلَاتِ فَفِي هَذَا بَيَانٌ أَنَّ هُبُوبَ الرَّيْحِ مِنْ تَدْبِيرِ الْحَكِيمِ فِي صَلَاحِ الْخَلْقِ ...

مفضل روایت میکند: ... [امام جعفر صادق علیه السلام] ای مفضل! من تو را از فایده وزش باد آگاه می‌کنم. آیا نمی‌بینی وقتی هوا را کد می‌شود چگونه غم و اندوه سراسر وجود انسان را می‌گیرد؟ نفس‌ها در سینه حبس می‌شود، افراد سالم بیمار، و بیماران به زحمت می‌افتند، میوه‌ها خراب، و سبزی‌ها متعفن می‌گردد، سبب بیماری وبا و آفت در غلات می‌شود، و این نشان می‌دهد که وزش باد از تدبیر خداوند حکیم، برای اصلاح حال خلق است...

توحید المفضل، جلد ۱، صفحه ۱۴۱ و بحار الأنوار، جلد ۳، صفحه ۵۷

۲۴. ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوَأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ؛ آیه ۳۰ سوره مبارکه روم. آن‌گاه بدترین سرانجام، سرانجام کسانی بود که مرتکب زشتی شدند به سبب اینکه آیات خدا را تکذیب کردند و همواره آنها را به مسخره می‌گرفتند.

خانواده را به این دو دسته عامل تقسیم کردید، در این صورت می‌توانید از پایگاه عوامل بیرونی بین مدیریت شهری و تقویت نهاد خانواده، ارتباط ارگانیک و منطقی برقرار کنید. این هم بخش سوم است. بخش سوم به لحاظ اینکه بحث را جا بیاندازد، بسیار مهم است و باید به آن توجه ویژه شود. از اینجا به بعد یک مقدار بحث وضوح پیدا می‌کند.

۴. کدام یک از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده در اختیار مدیریت شهری است؟

من از اینجا محور چهارم عرایضم را شروع می‌کنم. بحث در اینجا این است که اختیار چند دسته از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده، به دست نهاد مدیریت شهری است؟ چون بخشی از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده، به دست نظام آموزش و پرورش است، بخشی به دست وزارت اقتصاد است، نهادهای مختلفی ممکن است متکفل عوامل بیرونی باشند. حال سؤال این است: اختیار کدام بخش از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده، به دست شهرداری‌ها و شوراهای شهر است؟ با محوریت طرح این سؤال، بخش چهارم نظریه مدیریت شهری محله محور شروع می‌شود.

۴/۱. تعریف محله؛ عامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده و در اختیار مدیریت شهری

ما عرض کردیم: تعریف محله - که به دست نهادهای مدیریت شهری هست - جزو عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده است! پس شوراهای شهر و شهرداری‌ها از پایگاه تعریف محله که آن را غلط یا درست تعریف کنند، می‌توانند یا به نفع و یا به ضرر خانواده عمل کنند.

۴/۱/۱. تعریف محله به «محل استقرار خانه و محل استراحت خانواده»؛ تعریف مشهور و رایج از محله

خوب حالا هر دو طرف بحث را مباحثه کنیم تا ببینیم تعریف چگونه باشد به ضرر خانواده است و باید محله را به چه چیزی تعریف کنیم تا خانواده تقویت شود؟ الآن در مدیریت شهری فعلی، محله به محل استقرار خانه و محل استراحت خانواده تعریف شده است؛ یعنی این تقلیل معنایی در مفهوم محله اتفاق افتاده است؛ شما وقتی بسیاری از محله‌ها - خصوصاً محلاتی که در مجتمع‌های آپارتمانی ساخته می‌شوند - را بررسی می‌کنید می‌بینید حتی در آنها خانواده مهمانی‌های با همسایه و رحم را مدیریت نمی‌کند! یعنی محیط خانه و محیط استقرار خانواده به شکلی است که حتی محل مهمانی‌های خانوادگی هم نیست! محل مهمانی‌های خانواده کجاست؟ به پارک‌ها رفته است! عروسی که در روایات توصیه شده در خانه باشد،^{۲۵} به کجا منتقل شده؟ به تالارها رفته است! آیا این یک انتخاب اختیاری توسط خانواده‌ها بوده یا ساخت خانه‌ها طوری بوده که شما دیگر نمی‌توانید مهمانی را اصل قرار دهید و دیگر امکان پذیرایی نیست یا امکان پذیرایی هست همراه با آزار همسایه. امکان برگزاری مراسم‌های بزرگ خانوادگی در محیط‌های آپارتمانی وجود ندارد! مدیریت شهری آمده مثلاً در تعریف خانه یا در تعریف مجتمع‌های آپارتمانی، یک قیدهایی را اصل قرار داده که آن قیدها باعث شده وقتی کسی به یاد مجتمع‌های آپارتمانی می‌افتد، تنها کارکرد این مجتمع‌های آپارتمانی را استراحت و خواب و برقراری روابط جنسی حلال تعریف می‌کند! تعریف خانه در مدیریت شهری فعلی، خیلی تنزل پیدا کرده است. آن‌ها محله را به محل استقرار خانه تعریف کرده‌اند، نه «محل زندگی خانواده»! محله را به محل استراحت خانواده تعریف کرده‌اند، نه محل زندگی خانواده! زندگی در جای دیگر رقم می‌خورد؛

۲۵. ۲۶. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الْعُرْسُ وَ يُبْغِضُ الَّذِي فِيهِ الطَّلَاقُ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ يُبْغِضُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الطَّلَاقِ.

ابو خدیجه گوید: امام صادق فرمود: خداوند عز و جل خانه‌ای را که در آن عروسی است دوست می‌دارد و خانه‌ای را که در آن طلاق است دشمن می‌دارد و هیچ چیز نزد خداوند مبعوض تر از طلاق نیست.

مثلاً بخشی از زندگی تفریح است. در خانه‌های امروزی نمی‌توان تفریح را به نحو فربه‌شده در اختیار داشت. بخشی از زندگی، آموزش و تعلیم و تعلم است. خانه، دیگر محل آموزش و تعلیم و تعلم نیست و محله‌ای هم که در آن خانه هست، محل آموزش و تعلیم و تعلم نیست! مثلاً می‌بینید مدرسه و پارک‌ها بیرون از محله است! شغل هم که واضح است در دنیای امروز اصلاً در بیرون از شهر تعریف می‌کنند! یعنی نه تنها بیرون از محله تعریف می‌کنند بلکه آن را بیرون از شهر تعریف می‌کنند! در حالی که روایت می‌گوید: از سعادت مرد این است که محل شغلش در نزدیک محل خانه‌اش باشد! با پدیده‌های پیرمارکت‌ها و مگامال‌ها^{۲۶} تأمین نیازهای خانواده در محل استقرار خانواده نیست! چون وقتی هایپرمارکت و مگامال راه می‌افتد، یک دامپینگ^{۲۷} راه می‌افتد و قیمت‌ها را کاهش می‌دهد و باعث فروپاشی مشاغل خرد در محله می‌شود و آنها دیگر نمی‌توانند دوام داشته باشند! چون مردم همه به سراغ آن مگامال و هایپرمارکت رفته‌اند؛ بنابراین حتی نیازهای روزمره هم خارج از محل استقرار خانه تعریف می‌شود.

۴/۱/۲. تعریف محله به «محل تأمین نیازهای خانواده»؛ تعریف مختار الگوی پیشرفت اسلامی از محله

پس اگر ما آمدیم و گفتیم محله یعنی محل تأمین نیازهای چهارگانه خانواده - که عرض کردم: «نیازهای آموزشی»، «نیازهای تفریحی»، «نیازهای شغلی» و «نیازهای روزمره» هستند - یک اثر بر خانواده دارد؛ اما اگر گفتیم: محله یعنی محل استقرار فیزیکی و کالبد خانه و محل استراحت اعضای خانواده و بقیه نیازها باید در خارج از محله تأمین شود، خانواده و محله یک هویت دیگری پیدا می‌کند! در فرض اول، خانواده تقویت و در فرض دوم، تضعیف می‌شود.

۴/۲. پیوسته شدن ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر و در نتیجه تقویت نهاد خانواده؛ نتیجه اول تعریف الگوی پیشرفت اسلامی از محله

نکته فنی بحث این است که اگر شما نیازهای چهارگانه خانواده را در محله تأمین کردید، افراد به بهانه‌ی تأمین نیازهای چهارگانه دائماً از یکدیگر جدا نمی‌شوند؛ مثلاً افراد به بهانه‌ی تحصیل، شغل، وقت بیشتری نمی‌گذارند و به بهانه‌ی نیازهای روزمره و تفریح از یکدیگر جدا نمی‌شوند! الان در مجتمع‌های آپارتمانی این‌طور است که این نیازهای چهارگانه چون بیرون از محله تأمین می‌شوند، افراد دائماً از یکدیگر جدا می‌شوند و خانواده‌ها هسته‌ای می‌شوند. قبلاً بحث کردیم که: خانواده، دارای کارکردهای ده‌گانه است. این ده کارکرد خانواده - که آغاز آن روابط جنسی و عاطفی است و آخر آن هم کارکردهای امنیتی است - مشروط به این است که اعضای خانواده در کنار یکدیگر به نحو حداکثری حاضر باشند. وقتی شما اعضای خانواده را از یکدیگر به بهانه‌ی تأمین نیازها جدا می‌کنید، باعث از بین رفتن یا تضعیف این کارکردهای ده‌گانه می‌شود. خانواده‌ای که زوجین آن شاغل هستند، حتی در درون خانه نمی‌توانند نیازهای عاطفی یکدیگر را برطرف کنند، چون آن فضای شغلی زن و مرد را خسته می‌کند و خواب را به نیاز اصلی تبدیل می‌کند! وقتی افراد خانواده در کنار یکدیگر هستند، نیاز اصلی‌شان خواب می‌شود! وقتی

۲۶. فروشگاه‌هایی با وسعت بسیار زیاد که تقریباً تمام موارد مورد نیاز زندگی اعم از لوازم خانگی، مواد غذایی، البسه و پوشاک و ... را در خود جای داده‌اند و روز به روز نیز تعداد آنها در استان‌های مختلف کشور در حال گسترش است.

۲۷. دامپینگ از واژگان خاص اقتصادی به حساب می‌آید که به ویژه در تجارت بین‌المللی جایگاهی ویژه و قانونی دارد؛ و عبارت است از فروش یا صادرات یک کالا با قیمت کمتر از هزینه‌های تمام شده یا به عبارتی دیگر فروش کالا در خارج به قیمتی کمتر از قیمت داخلی. معادل فارسی این واژه «رقابت مکارانه» یا تبعیض در قیمت‌ها در بازرگانی معنا شده است. به عبارت بهتر، تولیدکنندگان و بازرگانان برای به دست آوردن بازارها، محصولات خود را با قیمتی کم عرضه کنند، برخی کارشناسان معادل فارسی این واژه را «رقابت مخرب» نیز دانسته‌اند. استراتژی کلی دامپینگ به حذف رقبا و در اختیار گرفتن بازار مربوط می‌شود.

مگامال‌ها و هایپرمارکت‌ها مبتنی بر استراتژی دامپینگ ابتدا قیمت‌های خود را پایین می‌آورند و پس از اینکه موجب ورشکستگی تجارت‌های خرد در محلات شدند، قیمت‌های خود را به همان قیمت‌های واقعی برمی‌گردانند.

هم که خستگی‌ها بر طرف می‌شود، دوباره باید به سمت محیط‌های شغلی خودشان بروند! این اتفاقی است که الآن در تعریف محلات ما رخ داده است؛ بنابراین شما می‌گویید چگونگی تأمین نیازهای چهارگانه خانواده، یک عامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده می‌شود؛ در یک احتمال امکان داشت این چهار نوع نیاز را در هر جای شهر تأمین کنیم؛ نتیجه آن چه می‌شود؟

به بهانه تأمین نیازهای چهارگانه خانواده، افراد خانواده از یکدیگر جدا می‌شوند. در یک احتمال دیگر این چهار نوع نیاز را تا جایی که امکان دارد به درون محله می‌آوریم؛ البته ممکن است برای بعضی از آنها نتوان این کار را کرد. بنابراین افراد خانواده به بهانه تأمین نیازهای چهارگانه دائماً از یکدیگر جدا نمی‌شوند، پس خانواده تقویت می‌شود. پس حیث تأثیرگذاری تأمین نیازهای خانواده در محله، افزایش وقت مشترک اعضای خانواده است. اینکه چگونه نیازهای چهارگانه خانواده را تعریف بکنیم نباید منجر به این بشود که وقت مشترک افراد خانواده حداقلی بشود. باید به نحوی مدیریت کنیم که وقت مشترک اعضای خانواده به طور حداکثری تأمین شود.

۴/۳. گسترش تعارف و ثمرات ۳۰ گانه آن در محله؛ نتیجه دوم تعریف مختار الگوی پیشرفت اسلامی از محله

البته تعریف محله به عنوان محل تأمین نیازهای چهارگانه خانواده، دو دسته فایده دیگر هم دارد. یکی از آنها فواید ناشی از تعارف است؛ عرض کردیم وقتی افراد به بهانه تأمین نیازهای چهارگانه خود با یکدیگر ارتباط دارند بعد از مدتی یکدیگر را بهتر می‌شناسند. این تعارفی که ناشی از کثرت ارتباط به بهانه تأمین نیاز است، خودش به تهایی ۳۰ فایده دارد. لذا بسته فواید ناشی از تعارف که قرآن شریف روی آن تأکید می‌کند [فواید زیادی دارد] که می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»^{۲۸} بر مسئله تعارفی که قرآن تأکید می‌کند، ۳۰ نوع فایده مترتب می‌شود که ان شاء الله باید در دوره‌های تفصیلی بحث بکنیم. مثلاً یکی از فواید تعارف، مسئله خودکنترلی و امنیت است. محله‌ای که اعضای آن یکدیگر را می‌شناسند، این شناخت باعث می‌شود افراد به خاطر حفظ آبرو خودکنترلی کنند؛ پس در محله، امنیت از پایگاه تعارف تأمین می‌شود نه از پایگاه مانیتورینگ؛ فلذا نفوذ در آن محله به غرض ایجاد فساد، بسیار سخت است؛ به علت اینکه همه یکدیگر را می‌شناسند و تشخیص می‌دهند غریبه وارد شده است و آن غریبه را به نحو انسانی کنترل می‌کنند. لذا مسئله تعارف، اشراف اطلاعاتی ایجاد می‌کند. ۲۹ فایده دیگر را نیز ان شاء الله در دوره تفصیلی بحث می‌کنم.

۴/۴. کاهش سفرهای درون شهری و فواید چهارگانه آن؛ نتیجه سوم تعریف مختار الگوی پیشرفت اسلامی از محله

دسته دیگر از فواید، فواید ناشی از کاهش سفرهای درون شهری است. وقتی شما نیازها را خارج از محله تأمین می‌کنید، اتفاقی که می‌افتد این است که انسان‌ها به طور روزمره سفرهای درون شهری دارند.^{۲۹} کثرت سفرهای درون شهری، چهار ضرر دارد که آن چهار دسته ضرر هم به وسیله نظریه مدیریت شهری محله‌محور به تدریج مرتفع می‌شود. این چهار دسته ضرر

۲۸. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌تردید گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است.

۲۹. با توجه به آمار ارائه شده توسط اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان تهران تعداد سفرهای برون استانی سال ۱۳۹۳ در سطح کشور ۵۷۳۸ سفر و تعداد سفرهای درون استانی ۱۱۱۳۳ سفر می‌باشد.

عبارتند از: مصرف زیاد سوخت، افزایش آلودگی‌های صوتی - که منشأ پیدایش بیماری‌ها روحی و روانی است - مسئله آلودگی هوا و مسئله ترافیک. هر چهار دسته آسیبی که در شهرهای صنعتی دارند، ناشی از سفرهای درون شهری است که آقایان می‌خواهند به وسیله نظریه TOD^{۳۰} آن را حل کنند. در حالی که ما با تغییر تعریف محله، این نوع آفت‌های مدیریت شهری مبتنی بر عدم توجه به تزکیه را مدیریت می‌کنیم.

پس در مجموع وقتی فقط تعریف محله را تغییر می‌دهیم سه دسته خاصیت داریم. وقتی می‌گوییم محله، فقط محل تأمین خواب نیست، محل اسکان خانواده به نحو اجمالی نیست؛ بلکه محل زندگی است و محل تأمین نیازهای چهارگانه است، سه دسته فایده به وجود می‌آید: دسته اول این است که خانواده تقویت می‌شود و اعضای خانواده کنار هم‌دیگر هستند، افراد محله یکدیگر را می‌شناسند، وقتی می‌خواهند ازدواج کنند پدر و مادرها به فرزند خود ۱۰ مورد را معرفی می‌کنند. در حالی که پدر و مادرهایی که در ماهیتی به نام مجتمع‌های آپارتمانی زندگی می‌کنند، معرفی‌هایشان محدود می‌شود و مجبور می‌شوند از نهادهای واسط برای انتخاب همسر استفاده کنند. بسته فواید ناشی از تعرف هم ایجاد می‌شود و عوارض چهارگانه ناشی از سفرهای درون شهری زیاد هم به تدریج مدیریت می‌شود. لذا در نظریه مدیریت شهری محله‌محور به صورت تضمین، راه حلی برای ترافیک هم مطرح شده است، یک راه حلی برای آلودگی صوتی و آلودگی هوا هم مطرح شده است، یک راه حلی برای مصرف زیاد و حداکثری سوخت هم مطرح شده است. خب همه این موارد در این نظریه گنجانده شده است که انشاء الله بعداً به آن می‌پردازم.

پس محور چهار را هم به نحوی که وقتم اجازه داد بحث کردم؛ شما می‌گویید ما تعریف جدید از محله می‌دهیم؛ در دیدگاه‌های موجود محله را بحث می‌کنند و باید توجه بدهیم که ما تعریفمان از محله تغییر کرده است. ما محله را به محل تأمین نیازهای چهارگانه خانواده تعریف کرده‌ایم، محله را به سپر نهاد خانواده تعریف کرده‌ایم. خب این تعریف در دیدگاه‌هایی که آقایان مطرح کرده‌اند و در نظریات نوشهرگرایی^{۳۱} وجود ندارد، بلکه فرد و لیبرالیسم را بحث می‌کنند. ما اینطور نیستیم، ما خود خانواده را

۳۰. در سال‌های اخیر، یکی از بزرگترین اهداف برنامه ریزی، به ویژه در مراکز شهری، کاهش اتکا به اتوموبیل به منظور ایجاد پایداری و سرزندگی در شهرهاست. [۱] به همین منظور حکومت‌ها و سازمان‌های برنامه ریزی سیاست‌ها و خط‌مشی‌های خود را با هدف بازشکل‌دهی توسعه شهرها در الگوهای فشرده‌تر با کاربری مختلط جهت دهی کرده‌اند یکی از این سیاست‌ها که اقبال زیادی به آن شده، توسعه حمل و نقل محور شهری است طرفداران این نوع توسعه، تراکم بالا و مراکز فعالیتی با کاربری مختلط را که به وسیله سامانه‌های حمل و نقل عمومی با کیفیت بالا به یکدیگر مرتبط میشوند، راه حل این مشکلات معرفی میکنند. [۲] توسعه حمل و نقل محور به عنوان مرکزی با آمیزه‌های متراکم از کاربری‌های مسکونی، تجاری، اداری و عمومی و فضای باز است که در آن مغازه‌های خرده‌فروشی و خدماتی در یک هسته تجاری با دسترسی آسان نسبت به خانه‌ها قرار گرفته‌اند (حدود ششصد متر یا ده دقیقه پیاده روی). یک ایستگاه حمل و نقل عمومی در هسته این مرکز قرار دارد. استفاده‌ها در مرکز به صورت عمومی بوده و ادارات در طبقات بالاتر از سطح زمین قرار می‌گیرند محدوده‌ای برای استفاده‌های کم تراکم‌تر، هسته مرکز را با فاصله‌ای حدود هزار و ششصد متر احاطه می‌کند. [۳]

[۱] پیتر نیومن و نورث جفری؛ طراحی شهر برای کاهش وابستگی خودرو، ص ۳-۹

[۲] الکس آیمز و کاپلن پیپر؛ توسعه اقتصادی و رشد هوشمند، ص ۷-۱۹

[۳] پیتر کالورپ؛ کلان شهر بعدی آمریکا؛ بوم‌شناسی، جامعه و رویای آمریکایی، ص ۱-۷

31. MANAGING GROWTH, reducing traffic, creating sustainable development, and making smart transportation investments; these are all challenges we face today. New Urbanism is a development strategy that addresses these issues and more by creating communities that are livable, walkable, & sustainable, while raising the quality of life.

محور قرار داده‌ایم و کلمه محله بین ما و آنها یک اشتراک لفظی است. البته در روایات از لفظ قبیله استفاده شده است و ما به دلیل قواعد فقه البیان^{۳۲} از کلمه محله استفاده کردیم. پس ما تعریف جدیدی از محله دادیم با سه دسته فایده که اگر این تعریف جدید از محله مطرح شود، به عنوان عامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده، خانواده را تقویت می‌کند؛ بنابراین ما از شهرداری و مدیریت شهری می‌خواهیم محله را روی نقشه تعریف نکند. اگر شما در حال حاضر نقشه شهر قم را هم ببینید می‌بینید که محلات شهر قم فلان تعداد است - البته در حال حاضر از تعداد دقیق محلات قم اطلاع ندارم - یا محلات شهر کرمانشاه این تعداد است. محلات را روی نقشه تعریف کرده‌اند و اینطور نیست که شهرداری‌ها خود را موظف بدانند که محله در تأمین نیازهای چهارگانه استقلال پیدا کند. این معنا محل توجه نبوده است در حالی که باید بنای خود را بر این بگذارند که هرکسی هر نیازی داشت حتی الامکان در محل خانه‌اش و در نزدیکی استقرار خانواده‌اش تأمین شود، یعنی در واقع یک محیط همسایگی به وجود بیاید. ان شاء الله در آینده در بحث‌های تفصیلی بحث خواهیم کرد که حتی در روایت شاخصه‌های کمی برای ارزیابی محله بحث شده است.

۵. ساختار مدیریت محله با تعریف مختار الگوی پیشرفت اسلامی از محله چیست؟

۵/۱. عریف؛ یکی از ساختارهای مدیریت محله

حالا از اینجا مسئله پنجمی به وجود می‌آید: اگر قرار شد محله را به محل تأمین نیازهای چهارگانه خانواده تعریف کنیم و در واقع معنای خانواده را از خانه شخصی به چهل همسایه در چهار جهت^{۳۳} - به عنوان مثال - توسعه دهیم، خوب حالا سؤال می‌شود که این محله را چه کسی مدیریت کند؟ این باید بحث شود. یا به اصطلاح روایات این قبیله را چه کسی باید مدیریت کند؟

ما یک مجموعه روایاتی داریم که درباره مدیریت محله و خانواده و قوم بحث می‌کند. مثل روایاتی که درباره جایگاه عریف بحث می‌کند.^{۳۴} عریف کسی است که این قبیله و محله را با ابعادش می‌شناسد. البته برخی به غلط به کدخدا یا فرمانده

مدیریت رشد، کاهش ترافیک، ایجاد توسعه پایدار و سرمایه‌گذاری در حمل و نقل هوشمند، همه چالش‌هایی است که امروز با آنها روبرو هستیم. نوشهرگرایی (شهرسازی نوین) یک استراتژی توسعه است که با ایجاد جوامعی قابل سکونت، قابل پیمودن و پایدار، ضمن ایجاد کیفیت زندگی، به این موضوعات می‌پردازد.

آدرس مطلب در سایت «New Urbanism»: yon.ir/HVhxd

۳۲. اشاره به دوره مباحثاتی فقه البیان (ده جلسه‌ای) که در دهه اول محرم ۱۴۳۹ (اول تا نهم مهرماه ۱۳۹۶) در مدرسه علمیه چهارباغ شهر اصفهان برگزار شد. جلسه اول و نهم این جلسات در مقام جانمایی مبحث فقه البیان در میان مجموعه مباحث اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی بوده، جلسه دوم به شرح اجمالی نسبت میان این دیدگاه اصولی با نگاه اصولی مشهور در حوزه‌های علمیه پرداخته، جلسه سوم و چهارم اولین باب از ابواب نه‌گانه فقه البیان (بیان مبتنی بر ظرفیت) که متکفل ارائه مهم‌ترین دسته از قواعد فقه البیان می‌باشد را مورد بررسی قرار داده و جلسات پنجم تا هشتم نیز به چهار باب دیگر اختصاص پیدا کرده است؛ ابوابی چون بیان مبتنی بر تأمل، بیان در فضای نظام مقایسه، بیان مبتنی بر مکث و بیان مبتنی بر رفق.

۳۳. عَلِيُّ بْنُ إِسْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عِكْرِمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص كُلُّ أَرْبَعِينَ دَارًا جِيرَانٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ.

جدم رسول خدا ﷺ گفت: تا چهل خانه از چهار سمت، همسایه محسوب می‌شوند و از حقوق همسایگی برخوردار می‌شوند. [ترجمه بهبودی] کافی ج ۲ ص ۶۶۹

۳۴. وَ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَا بُدَّ مِنْ إِمَارَةٍ وَ رِزْقٍ لِلْأَمِيرِ وَ لَا بُدَّ مِنْ عَرِيفٍ وَ رِزْقٍ لِلْعَرِيفِ وَ لَا بُدَّ مِنْ حَاسِبٍ وَ رِزْقٍ لِلْحَاسِبِ وَ لَا بُدَّ مِنْ قَاضٍ وَ رِزْقٍ لِلْقَاضِي.

نظامی ترجمه‌اش می‌کنند که البته ممکن است کار نظامی هم بکنند، به علت اینکه کارکردهای خانواده گاهی اوقات نظامی و امنیتی هم هست. پس مثلاً نهادی به نام عریف یا فردی به نام عریف داریم که او واسط حاکمیت ملی و خانواده به معنای بزرگ خود است.

۵/۲. مسجد؛ ساختار اصلی و یکی دیگر از ساختارهای مدیریت محله

محل اجتماع افراد این محله هم در روایات بحث شده است. ما مساجد را در اسلام به چهار دسته مسجد تقسیم کرده‌ایم^{۳۵} و مسجد اصلی که بحث می‌شود همین مسجد محله است. پس محل مدیریت هم مسجد می‌شود. آن وقت مسجد باید تغییر کارکرد و تغییر تعریف دهد تا بتواند یک محله را اداره کند؛ نوزده کارکرد باید به صورت استظهاری برای مسجد بحث شود تا مسجد به آن مسجدی تبدیل شود که می‌تواند یک قبیله و محله را اداره کند، این یک مسئله است.

۵/۳. طراحی بازار؛ یکی دیگر از ساختارهای مدیریت محله

مثلاً مسئله طراحی بازار، در بخش مدیریت محله است؛ ما با چه تعریفی از بازار و مدیریت اقتصادی می‌توانیم محله را احیا کنیم؟ ان شاء الله این را هم بحث خواهیم کرد؛ بنابراین در محور پنجم من دو نکته را بحث می‌کنم؛ ما در ابتدا، بحث مسجد را در روایات نداریم، بلکه مسئله مدیریت خانواده و محله را داریم و آن وقت مسجد از باب مدیریت اجتماعات بحث می‌شود؛ یعنی باید حیث ارتباط مسجد با خانواده را بحث کنیم. معمولاً گفته می‌شود که «مسجد، محور محله است». خوب! به چه دلیل مسجد، محور محله است؟ این باید بحث شود و متأسفانه الان بحث نمی‌شود. [پس از این بحث،] باید کارکردهای نوزده‌گانه مسجد را بحث کنیم تا بدانیم مسجد چه تغییری باید پیدا کند. مثلاً آیه نقر،^{۳۶} در این بخش ویژگی‌های نوزده‌گانه بحث می‌شود؛ [این آیه] می‌گوید امام مسجد باید «مِنْهُمْ» باشد. می‌گوید «مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا». در این آیه دو بار می‌فرماید از یک طایفه‌ای جمعیتی بروند، «مِنْهُمْ» باشد بروند تفقه کنند و بعد به کجا بیایند؟ به مسجد! الان در مسئله امام مسجد - خصوصاً در شهرهای بزرگ - این اصل نادیده گرفته می‌شود. چون مسجد را به مسجد قبیله و خانواده تعریف نکرده‌ایم در نتیجه قید «مِنْهُمْ» امام جماعت را حذف کرده‌ایم. وقتی قید «مِنْهُمْ» حذف شود، امام جماعت نمی‌تواند مانند پیامبر عمل کند که مثلاً اگر کسی به مسجد نیامد، خبر بگیرد که این فرد کجاست؟ وقتی ماهیت محله‌ای هست شما می‌توانید خبر بگیرید چرا فلان شخص از مسجد غایب است یا کمک کنید و مثلاً زکات فطره را هدایت کنید و فقر آن خانواده‌ها را مدیریت کنید.

امیرالمومنین ع فرمود: ضرورت دارد که امارتی باشد و رزقی برای امیر و عریفی باشد و رزقی برای عریف و حاسبی باشد و رزقی برای حاسب و قاضی باشد و رزقی برای قاضی.

مستدرک الوسائل، جلد ۱۷، صفحه ۴۰۷ و مشابه: دعائم الإسلام، جلد ۲، صفحه ۵۳۸

۳۵. عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: صَلَاةٌ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ أَلْفُ صَلَاةٍ وَ صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْأَعْظَمِ مِائَةٌ صَلَاةٍ وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الْقَبِيلَةِ خَمْسٌ وَ عِشْرُونَ صَلَاةً وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ السُّوقِ اثْنَا عَشْرَةَ صَلَاةً وَ صَلَاةٌ الرَّجُلِ فِي بَيْتِهِ وَحَدَّةٌ صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ.

[ثواب] نماز در بیت المقدس هزار نماز است و [ثواب] نماز در مسجد بزرگ (جامع) صد نماز است و [ثواب] نماز در مسجد قبیله پنجاه نماز است و [ثواب] نماز در مسجد بازار دوازده نماز است و نماز شخص در خانه‌اش به تنهایی ثوابی یک نماز دارد.

تهذیب الأحكام، ج ۳، ص ۲۵۳

۳۶. وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛ آیه ۱۲۲ سوره مبارکه توبه

و مؤمنان را نسزد که همگی [به سوی جهاد] بیرون روند؛ چرا از هر جمعیتی گروهی [به سوی پیامبر] کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی یابند و قوم خود را هنگامی که به سوی آنان بازگشتند، بیم دهند، باشد که [از مخالفت با خدا و عذاب او] پرهیزند.

همه این کارها زائیده قید «منهم» است. لذا در آن نوزده ویژگی اصلی، سؤال اصلی مرکز امور مساجد این است که اولاً در مورد این مسجدی که طراحی شده است؛ آیا محله‌ای هست که مسجدی برای آن طراحی شده است یا اینکه ماهیت محله‌ای وجود ندارد؛ یعنی افراد در اینجا درس نمی‌خوانند، در اینجا خرید و فروش ندارند، در اینجا تفریح نمی‌کنند و در اینجا شغلشان طراحی نشده است. حالا شما بر روی نقشه بگو من اینجا را مسجد قرار دادم! خب افراد اصلاً در آن محله نیستند که شما برای آن‌ها در مسجد برنامه بگذارید و آن‌ها را مدیریت کنید. لذا قید اول مسجد این است که آیا مسجد درون یک جایی به نام قبیله و محله طراحی شده یا خیر و اساساً ماهیت محله‌ای مفقود است و شما نام یک ساختمان را مسجد گذاشته‌اید. اصطلاح بنده در دوره قبل مباحثات این بود که ما با پدیده مساجد فانتزی روبرو هستیم؛ یعنی مساجدی که ساختمان‌های شیک و فرش‌های نو دارند ولی محل استقرارشان در محله نیست؛ بنابراین هیچ‌وقت این مسجد نمی‌تواند زنده باشد. قید دومی که شما بحث می‌کنید این است که امام این مسجد «منهم» باشد؛ جزو همان خانواده و محله باشد تا اعضای آن محله را بشناسد و این شناخت از اعضای محله، پایه احیا حکم زکات قرار بگیرد؛ وگرنه الان در کمیته امداد^{۳۷} زحمت زیاد می‌کشند، کمیته امداد اعانه‌های مردمی و صدقات را جمع می‌کند؛ ولی چون سیستم توزیع متمرکز دارد و در سیستم توزیع متمرکز تعارف وجود ندارد، بعضی اوقات می‌بینید که این کمک‌ها به کسانی داده می‌شود که مستحق نیستند. در صورتی که اگر آن «منهم» را داشتید، شناخت را داشتید و آن وقت توزیع صدقات و زکات و غیره دقیق‌تر می‌شود. آن وقت می‌توانید ادعا کنید که در مقابل امداد متمرکز که الان هست و پدیده‌ای است که باید اصلاح شود، امداد محله‌ای دارید. پس این هم یک سرفصل بحثی است و در مجموع شما در حال بحث از ساختار مدیریت محله هستید؛ عریف و بازار بخشی از ساختار مدیریت هستند و مسجد، بخش اصلی ساختار مدیریت است. به کدام استظهار؟ به استظهار آنکه می‌گویید در بازار هم مسجد لازم دارید؛ یعنی مسجد در ساختار مدیریت بازار هم هست، درحالی‌که بازار هم جزئی از محله است. پس خود بازار هم مسجدی دارد و پیداست که آن مسجد، مسجد کنترل مشاغل است و این تفکیک در کارکردهای مساجد مهم است. پس باید یک مسجد اختصاصی اهل بازار بسازید و بازار را مدیریت کنید. [در بحث مساجد، مسجد جامع هم هست که بعداً به آن خواهیم پرداخت.

۶. با توجه به تعریف جدید از محله، کالبد محله باید چگونه باشد؟

۶/۱. ایجاد دار و اسعه و تغییر فیزیک بازار و مسجد؛ کالبد سه‌گانه محله‌های جدید

خوب! حالا سؤال ششمی به وجود می‌آید؛ ما می‌خواهیم یک محله بسازیم که ساختار مدیریت آن نوزده ویژگی دارد. پس باید در مورد ویژگی‌های کالبد محله هم بحث کنیم، خیلی بحث مهمی است که کالبد محله چطور باشد. مثلاً فاصله بین کوچه‌ها و خیابان‌ها چگونه طراحی شود؟ الان شما می‌دانید که قاعده طراحی کوچه و خیابان استاندارد، امداد رسانی در وقت بحران است؛ یعنی طوری طراحی می‌کنند که اگر ساختمانی آتش گرفت، ماشین آتش‌نشانی بتواند وارد آن محله شود، یا هنگامی که زلزله آمد نیروهای امدادی بتوانند ماشین‌ها و ابزارآلات امدادی را وارد آن محله کنند. پس در کالبد و طول و عرض خیابان‌ها شاخص را بر مبنای امداد اضطراری طراحی کرده‌اند. ما در اینجا وقتی می‌خواهیم روابط انسانی را اصل قرار دهیم، تمامی ویژگی‌های بهبود روابط انسانی، در مسئله کالبد اصل می‌شوند. لذا به یک کالبد جدیدی می‌رسید که اساس آن کالبد جدید

۳۷. کمیته امداد امام علیه السلام از جمله اولین نهادهایی است که پس از گذشت مدت کوتاهی از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ توسط رهبر فقید انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی علیه السلام با هدف ساماندهی و رسیدگی به وضعیت معیشت امور محرومان و نیازمندان کشور تأسیس شد.

سه چیز است؛ یکی دار و اسعه، یکی کالبد بازار و یکی هم کالبد مسجد. پس باید به یک ساختمان و فیزیک متفاوت درباره مسجد برسیم که بتواند روابط انسانی را مدیریت کند.

[از طرفی] به یک ساختمان و فیزیک جدید در بازار می‌رسیم. [همچنین] به یک ساختمان و فیزیک جدید در مسجد می‌رسیم. آن وقت ترکیب آن کالبد، مدل تأسیسی از کالبد یک محله می‌شود. إن شاء الله وقتی بحث‌های تفصیلی مطرح شد، من درک خودم را از اصفهان و قزوین و آن شهرهایی که در دوره‌های قبل فقهای ما در نمونه‌هایی از آن دخالت کردند را خواهم گفت و آن را با وضعیت فعلی مقایسه خواهم کرد و پیشنهاد خودمان را خواهم گفت؛ یعنی ما باید به یک کالبد جدید برسیم و وقتی می‌گوییم می‌خواهیم محله بسازیم، حتی نباید محله علی‌قلی آقای اصفهان^{۳۸} به یاد ما بیاید، بلکه باید بسیار پیشرفته‌تر از آن بسازیم. مثلاً محله علی‌قلی آقا در کالبد، ضعف امنیتی دارد. ذیل بحث کالبد محله، مسئله مدیریت آب مطرح می‌شود، مسئله اشراف^{۳۹} مطرح می‌شود. مسئله مهم باد مطرح می‌شود؛ محله‌ای که ساختمان‌های آن گردش باد را به چالش بکشد، طبق مفاهیم طب اسلامی مرکز پیدایش بیماری‌هاست.^{۴۰} کالبد محله نباید مانع گردش باد شود. کالبد محله باید حریم‌ها را رعایت کند. پس وقتی شما به این نتیجه رسیدید که محله‌ای می‌خواهید که محل زندگی است، در محور ششم بحثی متولد می‌شود که آیا در این کالبد‌های فعلی می‌توان این کار را انجام داد؟ یعنی آیا در این خانه‌ها و مساجد فعلی می‌شود چنین کاری کرد؟ مثلاً مسجد پیامبر دکه القضا داشته؛ یعنی ساختار مسجد برای حل اختلافات هم یک پیشنهادی داشته است. وقتی شما

۳۸. یکی از کم‌نظیرترین آثار تاریخی شهر اصفهان، محله علی‌قلی آقا از اثرات هنری معماری و شهرسازی دوران صفویه است که در محله بیدآباد واقع شده و شامل بازار و چهار سوق، مسجد، مکتب‌خانه، حمام، زورخانه و کاروانسرا و دکان‌های کسبه مختلف بوده که متأسفانه به مرور زمان قسمت‌هایی از این مجموعه تخریب و بجای آن بناهای جدید احداث شده است.

۳۹. وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: مَنْ عَلِقَ بَابَهُ خَوْفًا مِنْ جَارِهِ عَلَى أَهْلِهِ وَ مَالِهِ فَلَيْسَ جَارُهُ بِمُؤْمِنٍ فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا حَقُّ الْجَارِ عَلَى الْجَارِ فَقَالَ مِنْ أَدْنَى حُقُوقِهِ عَلَيْهِ إِنْ اسْتَقْرَضَهُ أَقْرَضَهُ وَ إِنْ اسْتَعَانَهُ أَعَانَهُ وَ إِنْ اسْتَعَارَ مِنْهُ أَعَارَهُ وَ إِنْ اِحْتَجَّ إِلَى رِفْدِهِ رَفَدَهُ وَ إِنْ دَعَاهُ أَجَابَهُ وَ إِنْ مَرَضَ عَادَهُ وَ إِنْ مَاتَ شَيَّعَ جَنَازَتَهُ وَ إِنْ أَصَابَ خَيْرًا فَرِحَ بِهِ وَ لَمْ يَحْسُدْهُ عَلَيْهِ وَ إِنْ أَصَابَ مُصِيبَةً حَزَنَ لِحُزْنِهِ وَ لَا يَسْتَطِيلُ عَلَيْهِ بِنَاءٍ سَكَنَهُ فَيُؤَدِّيهِ بِأَشْرَافِهِ عَلَيْهِ وَ سَدَّهُ مَنَافِذَ الرِّيحِ عَنْهُ وَ إِنْ أَهْدِيَ إِلَى مَنَزِلِهِ طُرْفَةً أَهْدَى لَهُ مِنْهَا إِذَا عَلِمَ أَنَّهُ لَيْسَ عِنْدَهُ مِثْلُهَا أَوْ فَلَيْسَتْ بِهَا عَنْهُ وَ عَنِ عِيَالِهِ إِنْ سَحَتْ نَفْسُهُ بِهَا ثُمَّ قَالَ إِسْمِعُوا مَا أَقُولُ لَكُمْ لَمْ يُؤَدِّ حَقَّ الْجَارِ إِلَّا قَلِيلٌ مِمَّنْ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ لَقَدْ أَوْصَانِي اللَّهُ بِالْجَارِ حَتَّى طُنْتُ أَنَّهُ سَيُورِيهِ وَ إِعْلَمُوا أَنَّ الْجَارَ وَ سَاقٍ قَرِيبًا مِمَّا مَرَّ عَنِ التَّفْسِيرِ.

پیامبر ﷺ فرمود: هرکس درب خانه اش را از ترس همسایه‌اش بر خانواده و مال خود قفل کند، پس همسایه‌اش مومن نیست. پس گفته شد یا رسول الله، حق همسایه بر همسایه چیست؟ پیامبر ﷺ فرمود: ... و [همسایه] نباید خانه‌ای که در آن ساکن است را به قدری بلند بسازد که با اشراف [خانه‌اش بر خانه همسایه] همسایه را آزار دهد و با مسدود کردن منافذ باد از همسایه [او را آزار دهد] ...

مستدرک الوسائل، جلد ۸، صفحه ۴۲۷

۴۰. رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانَ قَالَ حَدَّثَنَا الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ: ... [جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ] وَ أَبُوهَا يَا مُفَضَّلُ عَلَى الرَّيْحِ وَ مَا فِيهَا أَلَسْتَ تَرَى رُكُودَهَا إِذَا رَكَدَتْ كَيْفَ يُحَدِّثُ الْكَرْبُ الَّذِي يَكَادُ أَنْ يَأْتِيَ عَلَى النَّفْسِ وَ يُخْرِضُ الْأَصْحَاءَ وَ يَنْهَكَ الْمَرْضَى وَ يُفْسِدُ الثَّمَارَ وَ يُعْفِنُ الْبُقُولَ وَ يُعْقِبُ الْوَبَاءَ فِي الْأَبْدَانِ وَ الْأَهْةَ فِي الْغَلَاتِ فِي هَذَا بَيَانٌ أَنَّ هُبُوبَ الرَّيْحِ مِنْ تَدْبِيرِ الْحَكِيمِ فِي صَلَاحِ الْخَلْقِ ...

مفضل روایت می‌کند: ... [امام جعفر صادق علیه السلام] ای مفضل! من تو را از فایده وزش باد آگاه می‌کنم. آیا نمی‌بینی وقتی هوا راکد می‌شود چگونه غم و اندوه سراسر وجود انسان را می‌گیرد؟ نفس‌ها در سینه حبس می‌شود، افراد سالم بیمار، و بیماران به زحمت می‌افتند، میوه‌ها خراب، و سبزی‌ها متعفن می‌گردد، سبب بیماری و با و آفت در غلات می‌شود، و این نشان می‌دهد که وزش باد از تدبیر خداوند حکیم، برای اصلاح حال خلق است. ...

توحید المفضل، جلد ۱، صفحه ۱۴۱ و بحار الأنوار، جلد ۳، صفحه ۵۷

این ساختار را در آن جا نگذارید مجبور می شوید اداره دادگستری خودتان را افزایش بدهید. بسیاری از این اختلافات با تغییر کالبد مساجد و اینکه امام مسجد تکلیف خود بدانند که وارد منازعات و اختلافات شود قابل مدیریت است. فقهای قدیمی مان اصرار داشتند که مسجد و بازار کنار یکدیگر باشند. آیا این ذوق بوده است یا اینکه یک منشاء فقهی دارد؟ اینها را باید بنشینیم بحث کنیم. پس بحث کالبد و ویژگی های آن، یک بحث مهم است. در واقع فهم من از محله های آینده این است که کالبد آنها سه بخش دارد: بخش بازار، بخش مسجد و بخش دار واسعة و خانه هایی که دارد.

۶/۲. لزوم طراحی محله های جدید پیشرفته تر از معماری های صفویه و معماری های موجود

حالا در این موضوع که این مسائل را چطور باید با همدیگر ترکیب کنیم، باید پیشرفته تر از صفویه بحث کنیم و این مسئله خیلی مهم است. این را برای این عرض می کنم که حدس من این است که چون جمهوری اسلامی، جمهوری مستضعفین است - ممکن است بعضی از مدیران در ادوار مختلف به مسئله مستضعفین کم توجه باشند ولی در نهایت جهت گیری اصلی، حمایت مستضعفین است - من حدس می زنم در دوره های نزدیک آینده یک موج جدید خانه سازی راه بیفتد و اگر ما همت کرده و در مسئله کالبد محلات گفتگوی جدی کنیم، به یک نحوه سریع به نمونه سازی نیز می رسیم؛ چون اراده حمایت از مستاجران و مستضعفین یک اراده قطعی است و انسان شواهد آن را در صحبت های مسئولین جمهوری اسلامی می بیند. خوب ما چرا باید با مدل های آپارتمانی دوباره این خانه ها را بسازیم؟ لذا بخش ششم، بخش مهمی است. حالا در همین بخش ششم - من نمی خواهم بحث کنم - اگر توفیق شد در این دوره مدیریت شهری مشهد بحث مصالح را هم مطرح می کنم. آیا ما تغییر در مصالح را بپذیریم یا نپذیریم؟ ان شاء الله باید این را هم مباحثه بکنیم.

خوب این مباحثات شش گانه ای که ما داشتیم در واقع ساختار مباحثات خودمان است: حکمت مدیریت شهری را بحث می کنیم که عرض کردیم حکمت آن امر تربیت است. در محور دوم، نهاد اصلی متکفل تربیت را به عنوان نهاد خانواده بحث می کنیم. و راجع به آن گفتگو می کنیم. در بخش سوم عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده را بحث می کنیم. آیا عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده را هم می توان تصور کرد؟ و اگر می توان چنین عواملی را تصور کرد اینها توسط چه نهادهایی مدیریت می شوند؟ نقش تعریف محله را به عنوان یک عامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده به عنوان محور چهارم بحث کردیم. وقتی قرار شد محله سپر نهاد خانواده شود و عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده باشد، مسئله ساختار مدیریت محله بحث می شود. وقتی شما ساختار مدیریت محله را بحث کردید و محله یک واحد زندگی و یک واحد حیات طیبه و یک واحد سبک زندگی شد و همه کسانی که راجع به سبک زندگی صحبت می کنند توجه پیدا کردند که سبک زندگی در قالب تعریف جدید از محله امکان دارد و با منبر و تلویزیون و سی دی و برنامه های وعظ محور نمی توان مدیریت کرد - آن وقت در محور ششم می رسیم به اینکه یک کالبد جدید برای محله نیاز داریم.

۷. در نظام مقایسه میان مدیریت شهری محله محور و نظریات نوشهرگرایی چگونه عمل می کنیم؟

۷/۱. محور قرار دادن ۶ سؤال اول این جلسه و نقد و بررسی نظریات نوشهرگرایی مبتنی بر این سؤالات

خوب حالا موضوع محور هفتم چیست؟ ما این شش محور را در تئوری های موجود هم جستجو می کنیم. در یک تقسیم بندی کلی دیدگاه های حوزه شهری به دیدگاه های سنتی و دیدگاه های نوشهرگرایی تقسیم می شوند. در اینها اختلاف دیدگاه ها و نظریات مختلفی مطرح است؛ مثلاً کسانی که دیدگاه های نوشهرگرایی را مطرح کردند می خواستند در نهایت حرف خودشان هويت حاشیه ای محله را از بین ببرند، یا مثلاً می خواستند اشکال متفاوت شهری را ایجاد کنند، خلاصه دیدگاه هایی را مطرح کردند. تاکید می کنم که ما وقتی وارد بررسی دیدگاه های مدیریت شهری موجود می شویم، سؤالمان، سؤال خودمان است،

یعنی مجموعه سؤالات مرتبط با روابط انسانی. و بر پایه آن سؤالات این دیدگاه‌ها را بررسی می‌کنیم. در مجموع بررسی می‌کنیم که آیا دیدگاه‌های نوشهرگرایی منجر به بهبود روابط انسانی شده است یا نه؟ منجر به تقویت نهاد خانواده می‌شود یا نمی‌شود؟ آیا ساختار مدیریت شهری به سمت فدرالیسم^{۴۱} می‌رود؟ بعضی می‌خواهند این را به عنوان ساختار مطلوب معرفی کنند. یا به سمت محوریت عریف می‌رود. این مسئله خیلی مهمی است که در روایات بحث کرده‌اند که بزرگ یک خانواده، عریف آن خانواده است؛ یعنی حیث بزرگ بودن را روی شناخت برده‌اند نه بر روی میزان سرمایه یا قدرت آن بزرگ؛ در حالی که در دیدگاه‌های فدرالیسم بزرگ یک شهر سرمایه‌دار یک شهر است، ولی در فرهنگ اسلامی بزرگ یک شهر عریف یک شهر است. «عرف» را به صفت مشبه برده‌اند، یعنی بسیار می‌شناسد؛ ویژگی‌ها را می‌شناسد، امکانات را می‌شناسد و غیره. لذا تصمیمات دقیق می‌شود: ساختار عریف مسئله خیلی مهمی است و باید روی آن بحث کنیم. آیا در دیدگاه‌های نوشهرگرایی ما به حکومت عریف بر خانواده‌ها و محله‌ها و شهرها می‌رسیم؟ اگر نمی‌رسیم ضرر خیلی بزرگی را بر جامعه تحمیل کرده‌ایم، و این مسئله‌ای است که باید راجع به آن بحث کنیم. روایات باب عریف را ببینید که حضرت در کجا می‌گویند به عریف رجوع بکنید؛ هم در سیره خودشان برای اداره جامعه خودشان و برای اداره مدینه رجوع می‌کردند و هم در روایات - می‌دانید که روایات مشمول زمان نیستند - بر جایگاه عریف تاکید کرده و آن را جزئی از نظام مشاغل معرفی کرده است. خوب ما از TOD سؤال می‌کنیم که آیا به حاکمیت عریف ختم می‌شود؟ از لیبرالیسم سؤال می‌کنیم که آیا به حاکمیت عریف خط می‌شود؟ اگر به حاکمیت عریف ختم نشد شما می‌توانید مناقشه جدی قابل فهم کنید که اگر عریف یک قوم برای یک قوم تصمیم نگیرد - اگر هم نخواهد - به ضرر آن قوم تصمیم خواهد گرفت؛ چون نمی‌شناسد در حالی که اصل در تصمیم‌گیری، دقت است، اصل در تصمیم‌گیری شناخت است. آن وقت بحث می‌کنیم که دیدگاه‌های پایشی که آقایان دارند و مدل‌های آمایش سرزمینی که دارند، به تعریف ختم نمی‌شود؛ حتی اگر شما آمایش سرزمینی^{۴۲} داشته باشید نتیجه آن «تعریف» نمی‌شود، در حالی که اگر یک فرد ۳۰

41. Federalism, mode of political organization that unites separate states or other polities within an overarching political system in a way that allows each to maintain its own integrity. Federal systems do this by requiring that basic policies be made and implemented through negotiation in some form, so that all the members can share in making and executing decisions. they stress the virtues of dispersed power centres as a means for safeguarding individual and local liberties.

فدرالیسم، شیوه‌ای از تشکیلات سیاسی است که ایالات یا دولت‌های جداگانه را در یک سیستم سیاسی فراگیر متحد می‌کند به شکلی که به هر کدام اجازه می‌دهد استقلال خود را حفظ کند. سیستم‌های فدرال این کار را انجام می‌دهند در حالی که ضروری می‌دانند سیاست‌های اساسی باید از طریق شورا انجام و اجرا شود تا همه اعضا بتوانند در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای آن‌ها سهیم باشند. فدرالیست‌ها بر برتری مراکز قدرت پراکنده به عنوان ابزاری برای پاسداری از آزادی‌های فردی و محلی تأکید دارند.

آدرس مطلب در دانشنامه جهانی بریتانیکا: yon.ir/TG2U7

۴۲. برخی آمایش سرزمین را نوعی برنامه‌ریزی بلندمدت برای توزیع بهتر جمعیت، امکانات و فعالیت‌های مختلف به منظور افزایش رفاه، آسایش و هماهنگی جامعه می‌دانند. [۱] به لحاظ مفهوم، آمایش سرزمین ایجاد تعادل بین سه عنصر انسان، فضا و فعالیت تعریف شده است که در ارتباط با انسان، مقوله مدیریت مطرح است و در رابطه با فضا بحث اقلیم مطرح است و در رابطه با فعالیت مقوله برنامه و برنامه‌ریزی برجسته می‌شود، یعنی مفهوم آمایش تلفیقی از سه علم مدیریت و اقتصاد، جغرافیا و جامعه‌شناسی است. [۲] همانگونه که از واژه‌کاوی این اصطلاح پیداست در دل خود دو مبحث مهم برنامه‌ریزی و مدیریت را دارا می‌باشد. بخش مهمی از مقوله آمایش سرزمین موضوع مدیریت داشته است. به عبارت ساده‌تر انسان باید استفاده‌ای را از سرزمین به عمل آورد که ویژگی‌های محیطی، انسانی و طبیعی (اکولوژیکی) سرزمینی بالقوه در نماند خود دارا می‌باشد و سپس این ویژگی‌ها را بر اساس نیازهای اقتصادی و اجتماعی خود مدیریت کند. به زعم برخی از صاحب نظران آمایش سرزمین بهترین، ارزان‌ترین و مؤثرترین راه حل مدیریت و برنامه‌ریزی محیط زیست، مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی است. [۳]

سال در یک منطقه زندگی کرده باشد بهتر از دیدگاه‌های آمایش سرزمینی، عرفان و شناخت نسبت به آن منطقه دارد. اینها بحث‌های مهمی هستند که در فصل هفتم مطرح می‌کنیم. لذا بعضی‌ها وقتی وارد بررسی دیدگاه‌های غربی می‌شوند اشتباه می‌کنند. البته من هم معتقدم که اینها باید بررسی شوند و نمی‌شود از این دیدگاه‌های بشری گذشت، نه به این دلیل که در دیدگاه‌های بشری حرف برتر وجود دارد، بلکه به این دلیل که اگر شما بررسی نکنید خودشان را حرف برتر معرفی می‌کنند. ولی بعضی از دوستان در مقام بررسی این دیدگاه‌ها سؤال خود را معلوم نمی‌کنند و وقتی سؤال را معلوم نکردید آن جریان‌های حاکی که نظریه‌پردازی می‌کنند به محوریت یک سؤال دیگر خودشان را برتر معرفی می‌کنند. مثلاً می‌گویند شهر باید درآمد خوبی داشته باشد، یعنی به محوریت درآمد و ارزش افزوده آینده یک شهر را تعریف می‌کنند. در حالی که سؤال این است که آیا می‌توان متغیر اصلی شهر مطلوب را کسب درآمد قرار داد؟ آن هم کسب درآمد به نحوی که آقایان می‌گویند یعنی درآمدی که ایجاد می‌شود به جیب جریان سرمایه‌دار می‌رود نه به جیب همه. شاخص را غلط تعریف می‌کنند و حتی اگر بخواهیم بگوییم شاخص شهر آینده [اقتصادی است] باید بگوییم شاخص شهر آینده عدالت درآمدی است نه اصل درآمد. حالا اگر شما بخواهید این مسئله را مطرح کنید می‌گوییم شاخص، تربیت و تزکیه است؛ اگر تزکیه و تربیت بود درآمد هم هست و اینها را باید مباحثه تفصیلی بکنیم. این مجموعه مباحثاتی را که امشب طرح کردم ان‌شاءالله در ۴۰ جلسه باید شرح بدهم تا یک تصویر تفصیلی از این بحث پیدا شود. پس محور هفتم مباحثات نظریه مدیریت شهری محل محور، نظام مقایسه میان دیدگاه‌های نوشهرگرایی و نظریه مدیریت شهری محله‌محور به محوریت ۶ ساختاری که بحث کردیم است. سؤال ما معلوم است و اگر آقایان اصرار کنند که شاگردی کنیم، شاگردی می‌کنیم منتها شاگردی هستیم که سؤال داریم. شاگرد خوب الزاماً شاگردی نیست که سؤال استاد را تکرار کند، اگر یک شاگرد سؤال جدید بپرسد [به معنی این نیست که شاگرد بدی است]، اصلاً حسن السؤال علامت پژوهش است. حالا ما ۶ سؤال داریم و به محوریت این ۶ سؤال می‌خواهیم با دیدگاه‌های نوشهرگرایی گفتگو مناقشه بکنیم تا ببینیم آیا به ۶ سؤال ما جواب می‌دهند یا نمی‌دهند. اگر به سؤالات ما جواب ندادند حق بدهند که پذیرش این دیدگاه‌ها برای ما سخت بشود. و به ما اجازه بدهند که در قم بر اساس مبانی فقهی خودمان در حوزه مدیریت شهری نظریه‌پردازی کنیم و الحمدلله رب العالمین.

[۱]. هنری، ویلیام؛ برنامه تحصیلی: چشم‌انداز، پارادایم و امکان‌پذیری، ص ۲۹۲

[۲]. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی: وحیدی، پریدخت؛ آمایش سرزمین: راهنمایی برای برنامه‌ریزی آموزش عالی، ص ۷۶

[۳]. مخدوم، مجید؛ حفاظت از محیط زیست چیست؟ حمایت از محیط زیست کدام است؟، ص ۱۴-۱۷

وعن أحمد بن إسحاق بن سعد عن بكر بن محمد عن أبي عبد الله ع قال لفضيل: جَلِسْ وَتَحَدِّثْ؟ قَالَ: نَعْرَجُ جَعَلْتُ فِدَاكَ
قَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْجَالِسَ أَحِبُّهَا، فَأَحْيُوا أُمَّرَأَى يَا فَضِيلُ، فَرَجَّحَ اللَّهُ مَنَ أَحْيَا أُمَّرَأَى.
يَا فَضِيلُ، مَن ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الدُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَ أَكْبَرَ مِنَ زَيْدِ الْبَجْرِ

قرب الإسناد: امام صادق عليه السلام به فضيل فرمود: آیا با هم می نشینید و گفتگو می کنید؟ عرض کرد: آری، فدایت شوم.
فرمود: من این مجالس را دوست دارم. ای فضیل! راه ما را زنده نگه دارید. رحمت خدا بر آن که امر ما را زنده بدارد. ای
فضیل! هر کس ذکر ما بگوید یا در حضور او ذکر ما شود و از چشمش به اندازه پر مگسی اشک درآید خداوند گناهان او
را می بخشد اگر چه فزونتر از کف دریا باشد.

مصدر: قرب الاسناد، ج ۱، ص ۳۶


منبع فرعی: بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲

یک شهر به چه غرض ساخته می شود؟ وقتی در روایات شهر با روستا
مقایسه می شود نقطه مزیت شهر چیست که اهل بیت توصیه کرده اند
که ما در روستاها ساکن نباشیم بلکه در شهرها ساکن باشیم؟ معیار این
مسئله در روایات چیست؟ به اصطلاح امروزی حکمت سکونت در شهر
چیست؟ این حکمت محوری ای که از آیات و روایات استظهار می کنیم را باید
مبنای ارزیابی همه برنامه ها قرار دهیم.

البته الآن بنده به نحو تفصیلی نمی خواهم ورود به بحث کنم و تمام آیات
و روایات حکمت مدیریت شهری را بحث کنم؛ منتها یک اصلی را از آیات و
روایات جمع بندی کرده ایم مبنی بر اینکه تفاوت روستا و شهر، تفاوت
داشتن یا نداشتن جمعه و جماعات است؛ یعنی در روایت شریف می فرماید در
شهرها ساکن شوید به دلیل اینکه در شهرها امکان برقراری جمعه و جماعت
است، ولی در روستا این امکان نیست.

به چه دلیل مسئله تربیت و تزکیه - که نتیجه توجه به جمعه و جماعت است - به
این میزان مهم است؟ ما در مباحثات مطرح کرده ایم که اگر تزکیه و تربیت
نباشد، همه زیرساخت های روابط انسانی به چالش کشیده می شود؛
یعنی معتقد هستیم مسئله روابط انسانی تکامل یافته و مسئله تلاش برای بهینه روابط
انسانی، به مسئله تزکیه وابستگی تام دارد.

* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه  nro-di.blog.ir

کانال "الگو ۴" در پیام رسان ایستا  @olgou4